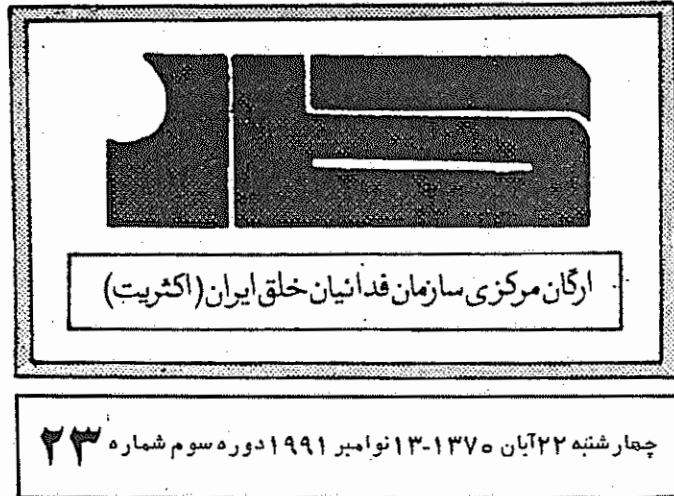


۵ هزار اسیر ایرانی در عراق

باقی مانده اند

بنابه گفته سرپرست کمیته ویژه پیگیری سرنوشت مغفودان و اسیران جنگی، هنوز ۵ هزار اسیر جنگی ایرانی در عراق زندانی هستند و از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. دولت اسلامی تا کنون چندین بار از دولت عراق خواسته است تا این اسیران را آزاد کند و یا دست کم حکومت تهران را از سرنوشت آنها مطلع سازد. اما این درخواست

تاکنون بی پاسخ مانده است. دکتربیبی سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به تاریخ ۶ آبان مجدداً تأکید کرد: اگر دولت عراق تصد دارد روابط خود با ایران را عادی کند، باید در خصوص وضع اسیران ایرانی پاسخ نهایی را با دلیل و مدرک ارائه بدهد که متأسفانه هنوز به این مسئله پاسخ قطعی نداده است.



چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۷۵ - ۱۳ نوامبر ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۲۳

اتحادیه بین المللی نویسندگان خواستار تعلیق روابط فرهنگی با حکومت جمهوری اسلامی شد

اتحادیه بین المللی نویسندگان جهان طی اطلاعیه‌ای از تمام کشورهای جهان خواست تا زمانیکه حکومت جمهوری اسلامی حکم قتل سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی کتاب آیات شیطانی را رسماً لغو نکرده است، روابط فرهنگی خود را با جمهوری اسلامی به حال تعلیق در آورند. اخیراً نیز از قول سلمان رشدی گفته شده که وی از طرفداران خود در انگلستان خواسته است در هزارمین روز صدور فتوای قتل وی از سوی خمینی و در اعتراض به این حکم، دست به تظاهرات بزنند. اما مقامات وزارت خارجه انگلیس بخاطر مصالح دیپلماتیک کشور و گویا بدلیل آنکه اینکار موجب اختلال در جریان حل مسئله گروگانهای فربری در لبنان می‌شود، از اینکار ممانعت کرده‌اند.

انتخابات مجلس ۵ ماه دیگر برگزار می‌شود

پایان دیدار رئیس جمهور چین از ایران

سفر «یانگ شانگ کن» رئیس جمهور چین به ایران، که در اسب یک هیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به تهران آمده بود، پایان یافت. این نخستین دیدار یک مقام بلند پایه چینی از ایران در سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی است. رئیس جمهور چین در این سفر علاوه بر ملاقات و گفتگو با رئیسان، با علی خامنه‌ای نیز ملاقات داشت. وی روابط چین و جمهوری اسلامی را «خوب و صمیمی» توصیف کرد و رفسنجانی در مذاکراتش با رئیس جمهور چین گفت: «تکریمی کنیم ظرفیت همکاریهایمان در زمینه‌های اقتصادی، تجاری و فنی و علمی»

بخشیده و از چند ماه پیش کشاکش و صف‌آرایی حادی را در میان جناحهای حکومتی به وجود آورده است. هدف جناح حاکم در این انتخابات روشن است. ائتلاف خامنه‌ای-رفسنجانی و رسالت تصد دارد مجلس چهارم را از چنگ مخالفین تندرو و حزب الهی خود بیرون بیاورد و برای اجرای این مقصود نه به پیروزی در یک انتخابات ضد دموکراتیک، بلکه به جلوگیری از شرکت کاندیداهای رقیب در انتخابات دست زده است. این ائتلاف در صدد است تا نمایش مجلس خبرگان را یکبار دیگر تکرار کند و از طریق شورای نگهبان بر پیشانی کاندیداهای مخالف مهر عدم صلاحیت بکوبد و آنها را از شرکت در انتخابات فرودین - ماه آینده محروم سازد.

انتخابات مجلس خبرگان که در جریان آن بسیاری از کاندیداهای تندرو توسط شورای نگهبان تصفیه شدند، علیرغم ضربه سنگینی که بر وزن و موقعیت

وزارت کشور با صدور اطلاعیه‌ای، روز جمعه ۲۱ فروردین ماه سال آتی را بعنوان روز برگزاری انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی تعیین کرد. مطابق این اطلاعیه که توسط وزیر کشور صادر شده است، داوطلبین شرکت در این انتخابات به مدت ۷ روز از بیست و یکم تا بیست و هفتم اسفند ماه فرصت دارند تا نامزدی خود را به وزارت کشور اطلاع دهند. انتخابات مجلس چهارم یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی سالهای اخیر کشور است و اهمیت و حساسیتی به مراتب بیشتر از انتخابات دوره‌های گذشته مجلس دارد. اهمیت و حساسیت این انتخابات به هیچ وجه به دلیل تأثیر آن در تأمین دخالت مردم در سرنوشت کشور و رژیم نیست، از این نظر بی‌گمان انتخابات در ایران هم به لحاظ قوانین رسمی ناظر بر آن و هم از نظر واقعی آن، یکی از ضد دموکراتیک ترین نمونه‌ها در سراسر جهان است. در

بیش از همکاریهای کنونی است و امیدواریم در دوران بازسازی نقش فعالی را از چین مشاهده کنیم. همزمان با دیدار رئیس جمهور چین از ایران، در مطبوعات آمریکا گزارشی مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و همکاری چین با ایران در این زمینه انتشار یافت. مقامات جمهوری اسلامی از جمله وزارت خارجه، حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور و خود هاشمی رفسنجانی اظهارات مطبوعات آمریکا را رد و آنرا بی اساس بقیه در صفحه ۲

در حاشیه سفر رئیس جمهور چین به ایران در صفحه ۳

مجله گردون تعطیل شد

ولی بر سر مسائل فرهنگی هم صدا هستند شدیداً به عباس معروفی صاحب امتیاز و مدیر مسئول مجله گردون حمله کردند و از مجامعین حمایت نمودند. کیهان از تعطیل نشریه گردون خرسند است و آن را موفقیتی برای خود به حساب می‌آورد. این روزنامه از «همه خانواده‌ها و همه بسیجیان و رزمندگان» خواسته است که با امضا طومارهایی از دادسرای انقلاب دفاع کنند و بخواهند که مسئول نشریه گردون و همکاران او به اشد مجازات برسند. کیهان معتقد است که: «امروز مبارزه ما مبارزه فرهنگی است اگر در حمایت از اقدام شایسته دادستان انقلاب تهران سهل‌انگاری شود و مدافعین بتوانند این متجاسر را از چنگ قانون رهایی دهند، جسارت امثال او در هتک حرمت مقدسات افزوده خواهد شد و به عکس اجرای قدرتمندانه قانون می‌تواند برای امثال او درس عبرت آموزنده‌ای باشد.»

روزنامه کیهان تجربه شرکت‌های مضاربه‌ای را می‌خواهد در زمینه مسائل فرهنگی بکار گیرد. برخورد پیگیرانه و مداوم این روزنامه با شرکت‌های مضاربه‌ای موجب گشت که فعالیت آنها مختل شود و سرانجام و رشکسته شوند. کیهان بر همین پایه، مرتباً مطالبی را علیه

موسوی خوئینی‌ها:

نباید به آینده مطبوعات دلخوش بود

هر چند نمی‌توان سحنی از آزادی مطبوعات در کشور ما به میان آورد و مجموعه جناحهای حکومت در ممنوعیت هر نشریه‌ای که جهت مخالفت با رژیم را داشته باشد متفق‌القولند، اما بر اثر تقابل شدید جناحها و نیاز آنها به بیان و تبلیغ نظرات خود و انشای جناح مقابل، در جامعه مطبوعات کشور فضای خاصی به وجود آمده است. روزنامه‌های وابسته به جناح‌ها به چنان انشاگری‌های مستمری علیه یکدیگر پرداخته‌اند که سانسور شدید خبری در محدوده‌هایی شکسته شده و بسیاری از مسایل پشت پرده در معرض آگاهی همگانی قرار می‌گیرند. بر اثر این جنگ قدرت و هم چنین نیاز دولت

موج برخاسته تحت عنوان مبارزه با «تجاجم فرهنگی»، اولین ضربه خود را وارد کرده. نوشته روزنامه کیهان مجله گردون به حکم شعبه ۲۱ دادیاری دادستانی انقلاب تهران تعطیل شد. مدتی پیش گروهی از زنان حزب الهی که خود را خانواده شهدای نامیدند دفتر مجله را اشغال کردند. مستمسک این محاکمه مدیر مسئول روزنامه خراسان توسط دادگاه ویژه روحانیت هم چنان مورد بحث و نزاع میان جناحهای حکومتی است. موسوی خوئینی‌ها صاحب امتیاز روزنامه سلام و یکی از سرکردگان جناح تندرو و خط امامی حکومت در مقاله‌ای، برخورد مطبوعات کشور با محاکمه فوق را مورد انتقاد قرار داده و آنها را به کوتاهی در این زمینه متهم کرده است. خوئینی‌ها نوشته است: «اینکه یک اصل قانون اساسی آنها در رابطه با خود مطبوعات، به این راحتی مورد بی توجهی قرار بگیرد و خلاف آن عمل شود و مطبوعات هم به سکوت برگزار کنند، بیانگر این است که خیلی نباید به آینده مطبوعات دلخوش باشیم.»

به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اجازه فعالیت داده شد

بخشی از نیروهای مذهبی را جذب کرد ولی نتوانست بیک جریان معتبر و پرنفوذ فراروید. از ابتدا گرایشهای مختلف در این سازمان وجود داشت که با هم درگیر بودند. در تداوم این درگیریها، این سازمان به چند جناح تقسیم گردید که شاخص‌ترین آن‌ها، جناحی به سرکردگی احمد توکلی و جناح دیگری به سرگردگی بهزاد نبوی بود. این سازمان در همین حالت رقابت‌هایی با حزب جمهوری اسلامی داشت.

خمینی راستی کاشانی را که بقیه در صفحه ۲

فیصل حسینی: کنفرانس مادرید برای مایک موفقیت است

صنحه ۱۱

پاسخ قاریخ چیست؟

در صنحه ۹

آینده کمونیسم

صنحه ۷

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۲

انتخابات مجلس ۵ ماه دیگر برگزار می شود

بقیه از صفحه اول

آنرا در تصفیه حزب الهی ها ببندند. این قوانین در مجلس نیز به تصویب رسیده، اما چه در درون مجلس و چه در خارج از آن با طولانی از مخالفت روبرو شد. شورای نگهبان مصوبه مجلس را به علت "مغایرت آن با قانون اساسی و شرع" پس فرستاد و بالاخره پس از چند ماه کشمکش اکثریت مجلس مجبور به عقب نشینی شد و علیرغم اخذ پاره ای امتیازات غیر موثر، تحت فشار همه جانبه ائتلاف حاکم موضوع "نظارت استصوابی شورای نگهبان" مطرح گردید که اختیار تعیین و تایید صلاحیت و عدم صلاحیت نمایندگان را کماکان در اختیار شورای نگهبان باقی گذارده است. نمایندگان تندرو از قوانین ناظر بر انتخابات و به ویژه نقش شورای نگهبان به شدت ناراضی و بیمناکند و حاضر به تمکین به آن نیستند حتی فردی مثل احمد خمینی که همواره کوشیده است رابطه خود را با جناح حاکم آنچنان تیره نکند که به موقعیتش آسیبی برسد، اخیرا در مصاحبه با نشریه هری زبان "العالم" (چاپ

لندن) این ناراضی را بار دیگر بر زبان آورد و گفت: "در بحث چگونگی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، برخی معتقدند که هر گاه استصوابی بودن به معنای دخالت در امور اجرایی-که قانون نحوه اجرای آن را معلوم کرده است- باشد، تعارضهایی در مقام اجرا پیش می آید و انطباق آن با نظریه تکلیک تواتر که نظام ما بر آن مبتنی است دچار مشکل می شود." وی شورای نگهبان را تجدید می کند که باید تابع قانون باشد و میگوید "اگر مسئله مورد اختلاف مربوط به مصالح عمومی نظام میشود، با دخالت رهبر یا مجمع تشخیص مصلحت نظام مشکل حل خواهد شد." اما نه قانون، نه رهبر و نه مجمع تشخیص مصلحت هیچ کدام بسود جناح تندرو عمل نمی کنند.

در انتخابات آتی، برای دو جناح حکومتی که نشان داده اند به درجه ای از تخصص و دشمنی رسیده اند که تحمل یکدیگر را روز به روز بیشتر از دست می دهند، در واقع نه قوانین که

توقیف کشتی حامل سلاح

به جمهوری اسلامی توسط ترکیه

یک کشتی ۷ هزار تنی تبرسی که در حال حمل سلاح و مهمات برای جمهوری اسلامی از طریق تنگه بسفر بود دو هفته پیش در اسلامبول توسط مأمورین گارد ساحلی ترکیه توقیف شد. مقامات گارد ساحلی ترکیه دلیل توقیف این کشتی را عدم قید محتویات محموله در بارنامه کشتی اعلام کردند. ناخدای کشتی در بازجویی های خود گفته است: "از کیفیت محموله های کشتی بی اطلاع بوده و کشتی توسط جمهوری اسلامی کرایه شده است." مقامات انتظامی ترکیه گفته اند این کشتی حامل هزاران قیضه سلاح از جمله موشک های استینگر، موشک انداز و سلاح های خودکار و مقادیر متناهی مهمات بوده است. این سلاحها از بلغارستان به ایران حمل می شده

میزان نیروهایشان تعیین کننده خواهد بود. در شرایط فعلی تقابل دو جناح به درجه ای است که شانس سازشی بین آنها را به حداقل رسانده است و در واقع موضوعی نیز برای سازش وجود ندارد. خط امام اگر مجلس را از دست بدهد، موجودیت سیاسی خود را به عنوان یک جناح موثر حکومتی تا حدود زیادی از دست داده است و ائتلاف حاکم اگر نتواند اکثریت مجلس را از دست مخالفین خود خارج سازد باید به وضعیت فعلی ادامه دهد. از همین روست که بسیاری از نیروهای اپوزیسیون وحشی بسیاری از مهره های حکومتی نیز، انتخابات مجلس چهارم را از نظر تاثیر آن بر تحولات درون رژیم سرنوشت سازی دانند.

ترکیه در جستجوی نخست وزیر جدید

هفته گذشته پارلمان ترکیه که در انتخابات ۲۸ مهر برگزار شده است، اجلاس افتتاحیه داشت. تنها پس از ادای سوگند ۴۵۰ نماینده پارلمان است که تورگوت اوزال رئیس جمهوری این کشور می تواند به یک سیاستمدار مأموریت تشکیل دولت را بدهد. اصلی ترین مدعی مقام نخست وزیری، سلیمان دمیرل سیاستمدار محافظه کاری است که در دهه های ۶۰ و ۷۰ شش بار نخست وزیر بود. دمیرل اخیرا به خبرنگاران گفت: "ترسیده، به زودی نخست وزیر دار می شوم." اما به نظر می رسد او خود را خوش بین تر از آنچه هست نشان می دهد. حزب راه راست دمیرل با اینکه در انتخابات پیروز شد، نتوانست اکثریت مطلق کرسی ها را بدست آورد. از سوی دیگر، جستجوی یک طرف آماده ائتلاف برای این حزب دشوار خواهد بود.

نجم الدین اربکان رهبر بنیادگرایان اسلامی، یکی از داوطلبان تامین اکثریت برای دولت آتی است. اما شرکت افراطیون مذهبی در دولت به معنای بروز تلاطم هایی در سیاست ترکیه خواهد بود. در سیاست خارجی، به ویژه از آن رو که بنیادگرایان خواهان خروج از ناتو و فاصله گرفتن ترکیه از اروپا هستند، و در سیاست داخلی، به خصوص بدین جهت که انتخابات، بنیادگرایان برای گذشتن از حد نصاب ۱۰ درصد جهت راه یافتن به پارلمان، با فاشیستهای تحت رهبری آلب ارسلان تورکش متحد شدند. حدود بیست نفر از پیروان تورکش با کمک بنیادگرایان حزب رفاه نجم الدین اربکان به پارلمان راه یافته اند.

اما آلترناتیو دیگر، یعنی ائتلاف با حزب سوسیال دمکرات مردمی (اس.پ.ا.) نیز خالی از مشکلات نیست. با اینکه اردال اینونو رهبر اس.پ.ا. مایل است بطور موقت با دمیرل متحد شود، اما مشکلات داخلی این حزب روبرو افزایش است. اس.پ.ا. در مقایسه با انتخابات ۱۹۸۷ حدود ۶۰۰ هزار رای و ۱۵ کرسی را از دست داده است. در نتیجه، دتیز بایکال رقیب قدیمی اینونو در اس.پ.ا. خواهان فراخواندن کنگره فوق العاده شده است. بایکال طرف یک سال گذشته دوبار کوشید اینونو را از رهبری حزب برکنار کند. در ماه ژوئیه اردال اینونو به زحمت و با اکثریتی ضعیف توانست از آزمون درون حزبی بگذرد. اکنون به نظر می رسد با شکست در انتخابات، دوره رهبری اینونو به پایان رسیده است. با این حال اینونو می خواهد کنگره فوق العاده را سه ماه دیگر برگزار کند. او امیدوار است تا آن هنگام با شرکت در ائتلاف دولتی و احراز سمت معاونت نخست وزیر، وجهه کسب کند. برای اینونو، شرکت در دولت به کلید بقای سیاسی او تبدیل شده است. اما دمیرل با در نظر گرفتن جنگ قدرت در اس.پ.ا. با ترسیده های زیاد به ائتلاف با این حزب می اندیشد. یک دشواری دیگر، حضور ۲۲ نماینده کرد در فراکسیون اس.پ.ا. است. این نمایندگان خواستار تغییر سیاست ترکیه در قبال کردستان اند.

با توجه به این آرایش نیروها، شاید دمیرل به آنپ، حزبی که تا پیش از انتخابات حاکم بود، برای ائتلاف روی آورد. در درون آنپ فراکسیون نیرومندی خواهان شرکت در دولت جدید است. بسیاری از نیروهای این حزب نگرانند که انتقال از موضع قدرت به اپوزیسیون، به معنای پایان حیات سیاسی حزب باشد.

به نظر می رسد سلیمان دمیرل می خواهد امکان ائتلاف با آنپ را باز بگذارد. شاهدهی بر این امر، این نکته است که دمیرل در جریان انتخابات پیوسته از این سخن می گفت که در صورت پیروزی، برای برکناری تورگوت اوزال موسس آنپ از ریاست جمهوری خواهد کوشید، اما اکنون چنین اقدامی دیگر در دستور کار دمیرل نیست. دمیرل اخیرا گفت اگر رئیس جمهوری در آینده قانون اساسی را رعایت نکند و از دخالت در امور دولت خودداری ورزد، "مسئله ای پیش نخواهد آمد".

هنوز نزدیک به ۵ ماه به این انتخابات باقی است، اما از هم اکنون و هر روز که می گذرد بیشتر، فضای سیاسی کشور تحت تاثیر این انتخابات قرار می گیرد. کشاکش های تاکنونی، مقدمه

جدالهای حادثه آتی است.

انتخاباتی "حکومتگران را پیچیده تر می کند وجود گرایشهای متفاوت در دو جناح رسمی و اعلام شده حکومتی است، از یکسو خامنه ای، رفسنجانی و رسالت خود درگیر رقابتهایی بیشتر پنهان و کمتر آشکار با یکدیگر هستند و از سوی دیگر در جناح تندرو تفتت و سردرگمی و تمایلات مختلف از تمایل به سازش با جناح حاکم تا تمایلات افراطی حزب الهی و هم چنین محافظ و گرایشانی که در جهت تبدیل شدن به اپوزیسیون کل رژیم حرکت می کنند، وجود دارد.

کمتر کسی است که در پیروزی ائتلاف حاکم در مجلس آتی تردیدی داشته باشد. آنچه که ناروشن است چگونگی این پیروزی است که بیش از همه به چگونگی ایستادگی و مقاومت تندروها بستگی دارد. بی تردید تسخیر مجلس توسط ائتلاف حاکم و راندن جناح مخالف "به گوشه ریگ" به سادگی و از طریق یک "مبارزه آرام انتخاباتی" صورت نخواهد گرفت و حدت بر خوردها ممکن است جابجایی های نه چندان کم اهمیتی در نیروهای سیاسی کشور و صف آراییی فعلی به وجود آورد و وضعیت سیاسی کشور را دچار تحولات پیش بینی نشده ای سازد.

ادامه درگیری در دانشگاهها

نمایندگان جامعه اسلامی دانشجویان وابسته به حکومت به خبرنگار روزنامه رسالت گفت: دانشگاه نباید در انحصار یک جناح و گروه خاص باشد. او ضمن حمله به انجمن های اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت افزود: آقایان به هیچ کس اجازه فعالیت نمی دهند. پس از این واقعه دفتر تحکیم وحدت ضمن صدور اطلاعیه تندیه دانشجویان وابسته به جناح مخالف را مورد حمله قرار داد. در این اطلاعیه معترضین بد اصفرزاده، مخالفین "انقلاب دوم" توصیف شدند و دفتر تحکیم وحدت تهدید کرد: در صورت تکرار چنین حرکاتی، دانشجویان مسلمان تکلیف خود را با این افراد روشن خواهند کرد. همزمان با این کشاکشها، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) در تهران برگزار شد. در آغاز این مراسم حجت

برخورد دستجات اسلامی در دانشگاهها هر روز حادثه تر می شود. بدنبال مخالفت انجمن اسلامی دانشگاه بهشتی (ملی) با تعویض رئیس این دانشگاه از سوی دولت هاشمی رفسنجانی و برخورد اعضای این انجمن با نیروهای انتظامی، انجمن های اسلامی پاره ای دیگر از دانشگاهها از جمله دانشگاه اصفهان به عنوان پشتیبانی از انجمن اسلامی دانشگاه ملی به اعتراض و اعتصاب دست زدند. در مقابل، دانشجویان رسالتی دانشگاه شیراز مانع از سخنرانی اصفرزاده نماینده خط امامی مجلس در دانشکده ادبیات این دانشگاه شدند. دانشجویان رسالتی با سر دادن شعارهایی نظیر مرگ بر ضد ولایت فقیه، مرگ بر سخنگوی رادیو اسرائیل از دانشگاه شیراز اخراج باید گردد، مانع سخنرانی اصفرزاده شدند. یکی از

الاسلام صدر یکی از اعضای "بیت رهبری" پیام شناسی خامنه ای را به دانشجویان ابلاغ کرد. خامنه ای در این پیام شناسی ضمن اشاره غیر مستقیم به حوادث اخیر دانشگاهها دانشجویان اسلامی را دعوت به ترک مخاصمه و وحدت کرد و از آنان خواست که انرژی خود را در رویارویی و مقابله با یکدیگر به هدر ندهند. خامنه ای به دانشجویان گفت که باید از جریانها و جناح های موجود حکومتی مستقل شوند.

این سخنان اندرزگونه "رهبر انقلاب" را کسی جدی نگرفت. درگیری، رویارویی و مقابله دانشجویان اسلامی با یکدیگر ادامه دارد. این درگیریها جزئی از مبارزه شدید دو جناح است و هیچ گونه اصالت دانشجویی ندارد و بنظر می رسد که تا حدودی از کنترل آنان نیز خارج شده است.

به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اجازه فعالیت داده شد

بقیه از صفحه اول

جزو جناح رسالت بود، بعنوان نماینده خود در این سازمان تعیین کرده بود. راستی با تشدید درگیری بین جناحها در سال ۶۵ از سمت خود استعفا داد و از خمینی درخواست کرد که این سازمان را منحل نماید خمینی نیز بدرخواست او پاسخ مثبت داد. اکنون با فعالیت مجدد این سازمان معلوم نیست که کدام جریان میخواهد این سازمان را مجددا احیا کند و چگونه توانسته است موافقت وزارت کشور را برای فعالیت خود جلب کند.

انحلال حزب کمونیست روسیه توسط یلتسین

بقیه از صفحه اول

قانونی و اتکا به زور در اداره امور یک کشور باشد و این برخلاف تمام آن ادعاهایی است که آقای یلتسین در دفاع از دموکراسی و ضرورت گسترش اصلاحات دموکراتیک داشت. آزادی احزاب شرط مقدم وجود دموکراسی در یک کشور است. و تعرض به آن جز به معنای زمینه سازی برای برقراری استبدادی از نوع دیگر نمی تواند باشد. حزب کمونیست روسیه میلیونها نفر عضو دارد. این حزب صرفنظر از عقاید و سیاستهایش و تنها بمتابجه یک حزب سیاسی از حق موجودیت و فعالیت قانونی برخوردار است و تخلفات آن نیز تنها بطریق قانونی

قابل پیگیری است و اقدام آقای یلتسین در انحلال حزب کمونیست مغایر حقوق میلیونها شهروند روسیه برای داشتن حزب مورد نظر خود می باشد. بعلاوه این اقدام خطر گسترش قدرت فردی و ناکام ماندن امیدهای مردم روسیه شوروی برای زیستن در آزادی پس از دهه سال رنج و مشقت را در پی دارد.

گای یاجف هنوز در این باره اظهار نظری نکرده است. آقای قدر دانی گای یاجف از مقابله یلتسین با کودتاگران با اعتراض او به این اقدام غیر قانونی و غیر دموکراتیک یلتسین همراه خواهد شد؟

بقیه از صفحه اول

جناحها و گرایشهای مختلف حاکمیت تحت پوشش های مختلف فعالیت میکنند. وزارت کشور اکثرآ به تشکل های صنفی وابسته به رژیم اجازه فعالیت میدهد. درخواست نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران برای فعالیت قانونی با عکس العمل تند رژیم در طی سالهای اخیر مواجه شده است. در چند ماه اخیر این دومین جریان وابسته به رژیم جمهوری اسلامی ای که اجازه فعالیت پیدا کرده است. چند ماه قبل جمعیت مولفان اسلامی نیز اجازه فعالیت گرفته بود.

پایان دیدار رئیس جمهور چین از ایران

بقیه از صفحه اول

اظهارات همتااله مهاجرانی در روزنامه جمهوری اسلامی مبنی بر ضرورت توازن هسته‌ای میان اسرائیل و کشورهای اسلامی منطقه به سر و صدای مربوط به تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح هسته‌ای دامن زد. با وجود تکذیب همکاری‌های هسته‌ای میان چین و ایران از سوی مقامات جمهوری اسلامی، وزارت خارجه چین در بیانیه‌ای همکاری اتمی

خواندند. رفسنجانی گفت: "امریکا روابط دوستانه بین بعضی کشورها را به گونه‌ای تحریک آمیز و در جهت ساخت سلاح‌های اتمی تفسیر می‌کند" و حسن حبیبی نیز در گفتگوی خود با خبرنگاران گزارشات مطبوعات امریکارا "دروغ بزرگ" خواند.

مجله گردون تعطیل شد

بقیه از صفحه اول

مقالاتی با عنوان "کودک ناقص الخلقه" به قلم شخصی بنام اسماعیل شفیعی سروستانی در کیهان چاپ شده است که سرایا نقش به روشنفکران است. نویسنده به سراغ تشریحات آدینه، دنیای سخن و آرمان رفته و برای آنها اتهامات مختلفی را ردیف کرده است.

روشنفکران فیروباسته به رژیم درج و برای بخشی از آنها پرونده سازی می‌کند. مدتهاست فضای سنگینی حول نویسندگان و هنرمندان غیر دولتی بوجود آمده است. برای روزنامه کیهان و برپا دارندگان موج مبارزه با "تجاجم فرهنگی"، تعطیل مجله گردون تنها گام نخست بحساب می‌آید. آنها هودانه می‌خواهند گام‌های بعدی را نیز بردارند و خفتان شدیدی را در حوزه مسائل فرهنگی حاکم سازند. آنها از یکسوی می‌خواهند تشریحاتی را که متعلق به جامعه روشنفکری غیر وابسته به دولت است و در زمینه مسائل ادبی، هنری و اجتماعی فعالیت می‌کنند به تعطیل بکشاند. مطالب مندرج در خبرنامه فرهنگی- اجتماعی (تشریح محرمانه سازمان تبلیغات اسلامی) و مقالات روزنامه کیهان و رسالت، این مسئله را بطور آشکار نشان می‌دهد. اخیرا سلسله

سویه دیگر این حملات متوجه آثار نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته رژیم است که با استقبال شایان روشنفکران مواجه است. آنها می‌خواهند جلو انتشار این آثار را بگیرند و سانسور شدیدی را در مورد نشر کتاب بدجا بگذارند. کیهان و همدستان وی مخالف جدی حذف واحد ممیزی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد است. ایجاد محدودیت شدید در سایر عرصه‌های هنری از جمله فیلم سازی جنبه دیگر قضیه است. در سال‌های اخیر برخی از فیلم‌های کارگردانان ایرانی در

یک جوان ایرانی در اثر تیراندازی سربازان اسرائیل کشته شد

انفجار در دانشگاه بیروت

رادیو اسرائیل روز ۸ آبانماه در بخش فارسی خود اعلام کرد که سربازان اسرائیلی بسوی چند جوان ایرانی که به قصد پناهنده‌گی از طریق مرز اردن وارد خاک اسرائیل شده بودند آتش گشودند. این رادیو افزود ماموران امنیتی اسرائیل با تصور اینکه فلسطینی‌اند در صدد دستگیری آنها برمی‌آیند، اما آنها پا بفرار گذاشته و در اثر تیراندازی یکی از جوانان زخمی می‌شود. این جوان در راه انتقال به بیمارستان جان می‌سپارد. رادیو اسرائیل توضیح نداد جوانانی که به قصد پناهنده شدن وارد خاک آنکشور شده بودند، چرا باید با دیدن ماموران اسرائیل پا بفرار بگذارند؟

اوایل وقت روز جمعه گذشته در یک اقدام تروریستی ساختمان اداری دانشگاه امریکائی بیروت با انفجار یک بمب قوی با خاک یکسان شد. در این حادثه دو نفر از جمله یک سرباز سوری جان خود را از دست دادند و ۸ نفر دیگر مجروح شدند. این بمب که در یک وانت بارو در کنار ساختمان اداری دانشگاه کار گذاشته شده بود ۲۰۰ کیلوگرم تی ان تی قدرت تخریبی داشته و از راه دور منفجر شده است. این انفجار زمانی رخ داد که این موسسه آموزشی بزرگ جشن ۱۲۵ سالگی تاسیس خود را تدارک می‌دید. هم کرامی نخست وزیر لبنان این بمب گذاری را محکوم کرد و گفت: هیچ کس از اینکار سودی نمی‌برد.

همین رادیو چند روز پیش از این حادثه نیز چند جوان ایرانی دیگر از همین طریق وارد اسرائیل شده‌اند.

هنوز هیچ گروهی مسئولیت این خرابکاری را بعهده نرفته است، اما احتمال داده می‌شود این اقدام از سوی گروه‌های افراطی حزب اله مخالف مذاکرات صلح خاورمیانه صورت گرفته باشد.

میان چین و حکومت اسلامی ایران را تأیید کرده‌ها تأکید نمود این همکاریها مقاصد نظامی ندارد. در بیانیه وزارت خارجه چین گفته شده است که چین یک دستگاه الکترو مغناطیس برای تولید ایزوتوپ و هم چنین یک راکتور کوچک در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده است که کاربرد آموزشی در فیزیک هسته‌ای دارند. رضا امرالهی رئیس سازمان انرژی اتمی

نستیوال‌های بین المللی درخشیدند و جوایز مهمی را به خود اختصاص دادند. گرچه رژیم می‌گوید این موفقیت‌ها را به حساب خود بگذارد ولی تنگ نظران از موفقیت این فیلم‌ها که اکثر آنها متعلق به کارگردان‌های غیر وابسته به دولت بودند، بیمناک شدند. چرا که آنها و اجمعه داشتند که این دسته از کارگردان‌ها در سطح جهانی برای خود جایی باز کنند که دیگر بسادگی نتوان با آنها کاری انجام داد. نخستین خاکریز در این زمینه محسن مخملباف بود که مدت‌هاست فیلم‌هایی را می‌سازد که دیگر خوشایند تنگ نظران نیست. حملات روزنامه کیهان بدو فیلم مخملباف موجب شد که جلونمایش عمومی آنها گرفته شود.

وزارت ارشاد معتقد است که در رابطه با مسائل فرهنگی برخورد ایجاد کرد و با تشریح آثار برتر به رقابت و مقابله با جامعه روشنفکری فیروباسته به رژیم برخاست. خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد می‌گوید باید از برخورد سلبی و امنیتی با مسائل فرهنگی اجتناب کرد. اما آنچه توسط سازمان دهندگان این حملات پیش می‌رود نه رقابت از طریق آفرینش‌های ادبی و

جمهوری اسلامی نیز گفته پیش در مصاحبه‌ای با خبرنگاران تقریباً محتوای بیانیه وزارت خارجه چین را تأیید کرد و گفت قدرت اتمی در ایران تنها کاربرد غیر نظامی خواهد داشت. او گفت جمهوری اسلامی در این زمینه در چهارچوب مقررات آژانس بین المللی انرژی اتمی عمل می‌کند و هلاقمند همکاری با همه کشورهای است و چین از این امر مستثنی نیست.

هنری، بلکه شیوه افشاگری، پرونده سازی، راه انداختن چارو چنگال و کار بست چماق توه قضائی است. این جریان فعلا از طریق وزارت ارشاد به تمام مقاصد خود نمی‌رسد ولی حربه بسیج و توه قضائیه را در دست دارد. توه قضائیه با برخورد سرکوب گرانه به سراغ مطبوعات می‌رود. یزدی رئیس توه قضائیه اعلام کرد که طرح روی جلد مجله گردون توهین به مقدسات مردم و اسلام است و لذا باید این مسئله در دادگاه‌های قضائی مورد رسیدگی قرار گیرد. مبارزه با فرهنگ سازان غیر وابسته به رژیم که ابتدا توسط سازمان تبلیغات اسلامی آغاز گردید و سپس توسط روزنامه کیهان به طور وسیعتری دنبال شد، با نطق خامنه‌ای در اواخر مرداد ماه ایجاد جدی به خود گرفت. این مبارزه چون گلوله برنی بود که بتدریج به بجمن تبدیل گردید. اکنون این بجمن در حال ریزش است تا هر آنچه در جلوش قرار دارد برود و نابود سازد.

باید ماهیت تاریک اندیشانه و سرکوبگرانه این موج برخاسته را انشا کرد و نشان داد که این جریان چگونه می‌خواهد فضای تاریک تر و سنگین تر از آنچه

موسوی خوئینی‌ها:

نباید به آینده مطبوعات دلخوش بود

بقیه از صفحه اول

رفسنجانی به دموکرات‌نمایی، معدودی تشریحات غیر وابسته به رژیم نیز فضایی برای ادامه فعالیت خود پیدا کرده‌اند.

در بین افراطیون هر دو جناح برای تعطیل این نشریات اتحاد نامیونی به وجود آمده است که فشار شدیدی به این نشریات را سبب شده است. طیف وابسته به رسالت روزنامه‌های جناح مخالف را نشان گرفته و حزب الهی‌های افراطی از طریق روزنامه کیهان برای تعطیل نشریات ادبی و فرهنگی غیر وابسته به رژیم سینه چاک می‌دهند. بخشی از جناح تندرو رژیم از آزادی مطبوعات موجود در عرصه‌های محدود و معینی دفاع می‌کند. زیرا آنها دریافته‌اند که این فشارها نشریات وابسته به خود آنها را نیز مورد نظر دارد و روزنامه‌هایشان در تهدید توقیف شدن قرار دارد. در این تعادل شکننده است که موسوی خوئینی‌ها در مورد

آینده مطبوعات هشدار داده است. تعطیل نشریه گردون توسط دادرسی انقلاب اسلامی نشانده‌ای از واقعی بودن این هشدار و تنگ تر شدن حلقه محاصره است. روزنامه رسالت یکی از پیشگامان تجاجم به مطبوعات مخالف دار و دسته حاکم در پاسخ به سخنان خوئینی‌ها تعهد کرده است: "در کشوری که بر مبنای ولایت مطلقه فقیه اداره می‌شود، مردم ما تنها به مطبوعات دل می‌دهند که این اصل اساسی را پذیرفته باشند." خواست ما تأمین آزادی مطبوعات است که توسط جمهوری اسلامی شدیداً نقض می‌شود. آنچه که اکنون در ایران وجود دارد تا این خواسته گامها فاصله دارد. اما وجود نشریات فرهنگی و ادبی غیر وابسته به رژیم در پرورش فرهنگ و ادبیات ترقی خواهانه و تشریحاتی که هر چند وابسته به جناح‌های رژیم می‌باشند، اما منتقد و افشاگر یکدیگرند، در شکستن فضای سانسور شدید خبری و انشایی مسایل پشت پرده، از اهمیت در خور توجه‌تری برخوردارند.

در حاشیه سفر رئیس جمهور چین به ایران

سفر رئیس جمهور چین به ایران نخستین سفر یک مقام بلند پایه چینی به ایران در طول ۱۳ سال گذشته است. اما از سوی ایران سه سال پیش خامنه‌ای، هنگامیکه رئیس جمهور بود و پیشتر از او در سال ۶۴ رفسنجانی در مقام ریاست مجلس اسلامی از چین دیدار کرده بودند. با وجود آنکه ستیزه‌جویی و ناسازگاری با دیگر کشورها در اغلب موارد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته قاعده بود، اما چین از جمله معدود کشورهای است که از این قاعده مستثنی بوده است. سال‌های گذشته بین مقامات جمهوری اسلامی و چین مناسبات بی سرو صدا اما گرمی وجود داشت. ملاحظه مشترک چندی پایه این روابط بودند. هر دو کشور با امریکا و شوروی بر اساس نگرش‌های خاص خود تقابل داشتند و پیرو شعار "نه شرقی نه غربی" بودند. این همسویی لاجرم نزدیک‌هایی را میان آنها موجب می‌شد. از سوی دیگر چین از جمله امکاناتی بود که جمهوری اسلامی در تامين جنگ افزار در جنگ ۸ ساله میان ایران و عراق، بدان تکیه داشت. چینیهایی سرو صدا، بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای جمهوری اسلامی به جنگ افزار سبک راتامین می‌کردند. به همین سبب نیز این اواخر، از قرار معلوم به خواست‌های جمهوری اسلامی در مورد تجهیزات هسته‌ای پاسخ مثبت داده‌اند. اما این آخری نتوانست بی در دسر و به آرامی داد و ستدهای سابق انجام گیرد و سرو صداهایی را در مطبوعات و رادیوهای خارجی ایجاد نمود.

همزمان با سفر رئیس جمهور چین به ایران پیرامون تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای و همکاری چین با ایران در این زمینه مطالبی در مطبوعات امریکا انتشار یافت. با وجود آنکه مقامات جمهوری اسلامی از جمله هاشمی رفسنجانی همکاری چین و جمهوری اسلامی برای تجهیز ایران به تکنولوژی اتمی را تکذیب کردند، وزارت خارجه چین در یک بیانیه رسمی همکاری هسته‌ای میان جمهوری اسلامی و چین را تأیید کرد اما تأکید نمود این همکاری مقاصد صلح آمیز دارد. رضا امرالهی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی نیز در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود سخنان مشابه چینی‌ها بر زبان راند. این تنها مورد از محتوای روابط و همکاری چین و جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته است که در معرض آگاهی عموم قرار می‌گیرد. از چند و چون مناسبات و همکاری‌های دو کشور در دیگر زمینه‌ها تاکنون هیچگاه اطلاعاتی انتشار نیافته است.

طبعاً نمی‌توان بر وجود مناسبات عادی سیاسی، بازرگانی و فرهنگی میان دو کشور خرده گرفت، اما حساسیت از آنجاست که سیاست خارجی چین در دهه‌های اخیر هلیرقم ادعاهای رهبران آن کشور، در موارد زیادی خلاف منافع ملی کشورهای طرف رابطه و در خدمت دول و نیروهای ماجراجو بوده است. حمایت فعال از رژیم‌ها و نیروهای افراطی در آسیای جنوب شرقی همچون پول پوت و خمرهای سرخ در کامبوج، همکاری با نظامیان پاکستان و کمک به آنها در تقویت توان هسته‌ای خود که عاملین بخشی از تشنجات در شبه قاره هند هستند، و بالاخره همکاری با رژیم آخوندها در ایران و تامين جنگ افزار آنها و این اواخر همکاری هسته‌ای، نمونه‌هایی از این نوع مناسبات چینی‌ها با جهان خارج است. این رفتار چینی‌ها سابقاً بر پایه "تئوری سه جهان" توجیه می‌شد، اما بنظر می‌رسد ادامه تا به امروز آن از سوی مقامات پکن، دیگر چندان ارتباطی با تئوری فوق نداشته باشد و تأمین منابع مالی مقصود عمده آنها در این گونه به اصطلاح همکاری‌هاست. خطرناک‌ترین جنبه این همکاری‌ها، همکاری در زمینه تکنولوژی هسته‌ای است و اثر از سوی چینی‌ها مورد تجدید نظر قرار نگیرد، در تداوم خود، صلح و ثبات منطقه ما و آسیا را در مخاطره قرار خواهد داد.

ما همانطور که با حساسیت نگران تلاش برخی دولتهای منطقه در تجهیز به سلاح هسته‌ای هستیم، در مورد کشور خودمان و تمایلات حکومت اسلامی در این زمینه نیز حساسیم. در صورت سرایت تکنولوژی سلاح‌های انجام جمعی به کشورهای منطقه، بخش بزرگی از مسئولیت آن را متوجه کشورهای می‌دانیم که بدون در نظر داشت موافقت امر و تنها به خاطر منافع مادی و کسب عایدات، موجبات این کار را فراهم کرده‌اند.

از میان رویدادها

سطح نازل آموزشی در مناطق محروم

مردم مناطق محروم کشور و شهرستانهای کوچک و دورافتاده به لحاظ امکانات بهداشتی، درمانی، رفاهی، ورزشی و فرهنگی در محرومیت بسر می‌برند یکی از موارد کمبود امکانات نبودن معلمان با تجربه و کارآموده، تعداد ناگفتنی مدارس و کمبود وسائل آموزشی است که جوانان این مناطق با آن دست بگریبانند. نمود بارز این کمبودها در امتحانات ورودی دانشگاهها و میزان قبولی این مناطق مختلف کشور مشاهده می‌شود. نتایج در این سالها حاکی از آن بوده است که سهم قبولی از داوطلبین مناطق محروم نسبت به شهرهای بزرگ خیلی پائین تر است. سهمیه استانی و بومی بودن تنها مقداری از شدت این مسئله کاسته

است اخیرا وزیر فرهنگ و آموزش عالی وعده تاسیس دبیرستانی پیش دانشگاهی شبانه روزی در سطح ۸ یا ۹ استان بسیار محروم را کرده است که در صورت تصویب توسط مجلس شورای سال آینده به اجرا در خواهد آمد این مدارس به منظور تقویت پایه علمی فارغ التحصیلان دوره متوسطه در مناطق محروم کشور است و دوره آن چهار ماه و نیم خواهد بود. این اقدام می‌تواند کمکی به داوطلبین کنکور این مناطق باشد ولی نمی‌تواند مسئله نازل بودن سطح آموزش در مناطق محروم را حل کند. جوان دیپلمه فلان شهرستان کوچک به هیچ وجه قادر به رقابت و مسابقه با جوانان تهران و شهرهای بزرگ

انهدام یک شبکه بزرگ جعل گذرنامه

به گفته حسین مقربی فرمانده منطقه انتظامی شرق تهران بزرگ، ماموران انتظامی موفق شدند یک شبکه بزرگ صدور گذرنامه‌های جعلی را متلاشی کنند. به گفته تیمسار مقربی از یکی از خانه‌های مربوط به این شبکه مقادیر قابل توجهی اوراق و اسناد جعلی، شناسنامه،

گذرنامه‌های سفید ایرانی و خارجی، ابزار و آلات جعل، کارت تردد مجبور شده سفید متعلق به یکی از کشورهای عربی و... به دست آمده است. این شبکه با دریاقت بیش از ۱/۵ میلیون تومان از هر متقاضی که اجازت خروج از کشور را نداشت، برای وی گذرنامه جعلی صادر می‌کرد.

افزایش صادرات

آلمان و انگلیس به ایران

حجم مبادلات بازرگانی ایران و آلمان در ۵ ماهه اول سال جاری به میزان ۶۶ درصد افزایش یافت. بنابه گزارش اتاق بازرگانی و صنایع رسمی ایران و آلمان، طی این مدت واردات ایران از آلمان به ۲ میلیارد و ۹۸۸ میلیون مارک بالغ شده و رشدی معادل ۸۳/۹ درصد داشته است. صادرات ایران به آلمان طی این مدت حدود ۶۶۴ میلیون مارک بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل تنها ۱۵/۱ درصد افزایش یافته است. حدود ۲۸۵ میلیون مارک از صادرات ایران به آلمان، مربوط به صادرات نفت بوده است.

وزارت صنایع و تجارت انگلستان نیز با انتشار آماری اعلام کرد که میزان صادرات این کشور به ایران در ۸ ماهه نخست سال ۱۹۹۱ میلادی ۳۹ درصد افزایش یافته است.

مجموع صادرات انگلستان به ایران از اول ژانویه تا پایان ماه اوت به حدود ۳۲۱ میلیون پوند رسیده است. کل صادرات انگلیس به ایران در سال گذشته میلادی ۳۸۴ میلیون پوند و صادرات ایران به انگلیس ۲۷۹ میلیون پوند بوده که بیش از ۹۰ درصد آنرا مواد نفتی تشکیل می‌داده است.

افزایش بزهاکاریها

در روزنامه‌های کشور مرتبا گزارش‌های نیروهای انتظامی منتشر میشود. نگاهی گذرا باین گزارش‌ها نشان میدهد که جرائم اجتماعی شدیداً افزایش یافته و بیک مسئله جدی در جامعه تبدیل شده است. در این گزارشها بخش‌هایی مربوط به ضبط دستگاه و نوار ویدئو، نوار کاست، عکس و مشروبات الکلی است که جمهوری اسلامی داشتن آنها را جرم بحساب می‌آورد ولی بخش دیگری مربوط به مواد مخدر، سرقت اموال منازل و مقارنه‌ها، سرقت خودرو، قاچاق کالا، کیف زنی، سرقت مسلح و غیره است.

گزارشها نشان میدهد که مداوما باند‌های سرقت تشکیل و اکثرا بطور مسلحانه اقدام به دزدی میکنند. در گزارش رئیس اداره آگاهی تهران گفته میشود که ۵ باند سارقین مسلح دستگیر شده‌اند (کیهان ۲۱ شهریورماه). او می‌گوید از زمان ادغام شهربانی و کمیته در تهران به تعداد ۳۴۳۷ فقره پرونده رسیدگی شده و ۲۲۱۴ نفر متهم تحویل مقامات قضائی شده‌اند. در همین مدت اموال زیادی کشف شده‌اند که ارزش آنها حدود یک میلیارد تومان می‌باشد. فرمانده منطقه مرکزی تهران بزرگ می‌گوید بیش از ۱۰۰۰ نفر

سارق هادی و ۷ نفر سارق مسلح را دستگیر کرده‌ایم (کیهان ۲۴ شهریور ماه ۷۰) فرمانده یگان ویژه پاسداران ناحیه انتظامی تهران آمار دستگیری ۱۶۲ سارق مسلح، هادی و کیف قاب رادرتی دو ماه ارائه میدهد. فرمانده منطقه شمال تهران خبر دستگیری ۱۱۹ نفر سارق را میدهد (کیهان ۲۵ شهریور). فرمانده منطقه مرکزی می‌گوید ۱۳۷ نفر سارق و مجرم رادر عرض یک هفته دستگیر کرده است (کیهان ۲۱ شهریورماه)

مواردی که اشاره شد فقط مستخرج از چند شماره کیهان در طی چند روز است و فقط شهر تهران را شامل میشود. این وضع کما بیش در دیگر شهرهای ایران نیز مشاهده میشود.

به گفته موسوی نماینده اهواز مسئله عدم وجود امنیت و سرقت منازل به خصوص در مناطق حاشیه نیز مردم را به ستوه آورده است (کیهان ۱۴ شهریورماه ۷۰) گرچه آماری دقیق از بزهاکاریها در کل جامعه در مطبوعات دیده نمی‌شود ولی این گزارشها نشان می‌دهد که در جامعه بستر مناسبی برای تشدید بزهاکاریها وجود دارد و با وجود شدت حمل ارگانهای انتظامی بر ابعاد بزهاکاریها روز بروز افزوده می‌شود.

کمبود دارو و بازار سیاه

مراجعه به داروخانه می‌گوید: "پسر پانزده ساله‌ام مدت دهسال است بواسطه یک نوع بیماری فلج شده و ناچار است برای تسکین درد، آمپول بنام "طلا" تزریق کند از صبح تا بحال به چند داروخانه سرزده‌ام و جواب "نداریم" شنیده‌ام او می‌گوید باین آمپول به حد وفور باچند برابر قیمت در مغازه دارو فروشان خیابان ناصر خسرو وجود دارد که بودجه من نمی‌رسد.

جدا از داروخانه‌های سطح شهر، یک مرکز همده دادو ستد در شهر تهران وجود دارد که وسائل درمانی با چند برابر قیمت به مراجعه می‌فروشد. در این مرکز دادو ستد انواع و اقسام داروها را می‌توان براحتی پیدا کرد. وقتی انسان در کوفچه‌های تنگ و باریک محله دارو فروشان ناصر خسرو و بازارچه مروی وارد می‌شود، اثری از داروهای کمیاب نمی‌بیند و تنها در قفسه‌های خاک گرفته این مغازه‌ها، داروهای تلمبار شده‌ای را می‌بیند که حتی در مغازه‌های عطاری هم هست. اما واقعیت اینجاست که عمده درآمد دلالت و کسبه این محل از طریق فروش داروهای کمیاب و احتکار شده تامین می‌شود که در انبار و یا پستوی مغازه دور از چشم جا

سالم است که دارو به یک مشکل جدی مردم تبدیل شده است. بسیاری از داروهای کمیاب و نایاب است. تفاوت میان قیمت دولتی و آزاد سرسام آور است. وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بجای رسیدگی بوضع نابسامان توزیع دارو، برای تامین منافع صاحبان کارخانه‌های داروئی قیمت داروها را بالا می‌برد. اخیرا دکتر ملک زاده اعلام کرد که نرخ ۵۰ قلم دارو تا میزان ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت.

کمتر بیماری‌رایی توان یافت که از چند سال اخیر برای پیچیدن یک نسخه دچار مشکل نباشد. آنان برای تهیه داروهای یک نسخه مجبور می‌شوند دهها دارو خانه را زیر پا بگذرانند تا شاید بتوانند در یکی از دارو خانه‌های شهر داروی مورد نظر خود را پیدا کنند. اکثر دارو خانه‌ها با دادن نیمی از نسخه و تاکید بر این که تمام دارو را ندارند، بیمار را در شرایطی قرار می‌دهند که هلیبرفم تشخیص پزشک مجبور شود بهمین میزان دارو قانع شود ولی مسلم است که گاهی مصرف ناقص دارو موجب میگردد تا بیمار بهبود پیدا نکند و بعضا دچار عوارض دیگر گردد. مردم در موارد زیادی مجبور می‌شوند با قیمت‌های بالا و بدون حصول اطمینان از سالم بودن داروهای آنها مردم از وضع نابسامان دارو ناراحت هستند. برای آنها دارو مثل نان شب است. یکی از

مزایای شغل آزاد

کمتر برایمان صرف نمی‌کنند الان با صاحب صحبت کردم گفت فلانقدر کمتر بفروش. گفتگوی من و صاحب مغازه چندان طول نکشید که کالا را خریدم و رفتم و در راه بخر حرف دوستی افتادم که دو روز پیش به پسرش نصیحت میکرد درس را رها کند و وارد بازار شود چون هر چه هست در بازار است. به او می‌گفت تو که "تو که دکتر نمی‌توانی بشوی پائین تر از دکتر هم که نایده‌ای ندارد آخرش می‌خواهی لیسانس بگیری و کارمند شوی و مثلاً ده ۱۵ هزار تومان به تو حقوق بدهند، با این خرج زیاد در طول یک ماه چطور میتوانی زندگی کنی؟ من آنروز حق را به

"همینکه وارد مغازه شدم بدون اینکه جواب سئوالم را بدهد گفت: "آقا اول این شماره را برابم بگیر و بدنبال آن دستگاه را روبرویم گذاشت و منتظر شماره گرفتن ماند. بی‌درنگ برایش شماره گرفتم. دیدم به آن سویی سیم می‌گوید پسته‌ها را کیلویی چند برایت بفروشم؟ و بعد از کمی گفتگو تلفن را گذاشت و جواب سئوالم را داد و گفت از این پسته مرغوب تر هم نیم ساعته دیگر برایمان می‌آورند چند کیلو می‌خواهی؟ وقتی که شنید فقط یک کیلو می‌خواهم قدری تامل کرد و گفت خیال کردم یک کیسه می‌خواهی. همین قیمت که گفتیم

پسر دادم و کفتم همه چیز را که با پول نمیشود هوس کرد و امروز که این صحنه را دیدم متوجه شدم که هدهای هستند که سواد خواندن و نوشتن را دارند که بیاند، حتی قادر به گرفتن شماره تلفن نیستند ولی بایک تلفن مبلغ کلانی معامله میکنند و بعد برای امضا بر روی چک و اسناد پولی انگشت می‌زنند گوئی که سواد و درس خواندن برای آنها به هیچ کاری نمی‌آید و با این بی سوادگی شان بر خرمرد سوارند و به اندازه ۱۰ کارمند هم درآمد دارند" (کیهان ۲۸ شهریور ۷۰)

کاسبی فرهنگی

می‌کند. مگر مخارج چند ورق پلی کپی و سئوالهای امتحانی و تصحیح اوراق آنها چقدر است که برای امتحان ورودی هزار تومان می‌گیرند. حتی پول شرکت در کنکور سراسری هم اینقدر گران نیست چرا جلوی آنها را نمی‌گیرند. گفتیم پس خیر نداری که شهریه های مدارس غیر انتفاعی نیز آنقدر گران است که دیگر بچه های ضعیف و فقرا را در آن راهی نیست. در حالیکه قرار بود تمام کودکان و نوجوانان ما لاقلا از امکانات آموزشی و پرورشی برخوردار باشند و در این زمینه

"دوستی می‌گفت: "چرا جلوی این مدارس غیر انتفاعی (ملی) را نمی‌گیرند و کارشان را کنترل نمی‌کنند. چون هر چه دلشان خواست انجام میدهند و هر کدام مبلغ گزافی بابت اسم نویسی و شهریه و غیره می‌گیرند. از جمله جدید ترین شگردها برای سر کسبه کردن مردم این است که مدرسه‌های ابتدائی که باصلاح غیر انتفاعی است در شمال تهران اعلام کرده فقط برای کنکور و آمدن ورودی کلاس اول آن حدود سی نفر آنها با شهریه کلان نام نویسی

فقی و فنی با هم فرقی نداشته باشند و دلیل منحل کردن مدارس ملی بوسیله شهید رجائی هم همین گونه تبعیض ها بود. حالا که تاسیس مدارس غیر انتفاعی بصورت قانونی در آمده، اگر درست اداره شوند و در امور آنها کنترل کافی به عمل آید کمک بسیار موثر به امور آموزشی و پرورش است. باید وزارتخانه های مسئول در کار اینگونه موسسات مراقبت بیشتری اعمال کنند تا به سر نوشت مدارس ملی و تجاری قبل از انقلاب دچار نشوند" (کیهان ۳ مرداد ۷۰)

بی خبر نگهداشتن مردم از رویدادهای کشور

جمهوری اسلامی در بی خبر نگهداشتن مردم از جریان رویدادهای کشور ید طولائی دارد. سران حکومت بخش مهمی از وقایع را بعنوان "اسرار نظام" تلقی می کنند و درج آنها را در مطبوعات جرم بحساب می آورند. آنها میگویند که با انتشار این گونه اخبار، دشمن از اسرار نظام ما اطلاع پیدا کرده و بر اساس آن سیاستهای خود را تنظیم خواهد کرد. لذا باید از درز این اخبار از دورن حکومت به بیرون شدیداً اجتناب کرد.

در عدم اطلاع رسانی ب مردم تنها مسئله اسرار نظام مطرح نیست، بلکه رژیم جمهوری اسلامی اساساً اعتقادی به این ندارد که مردم باید در جریان امور کشور قرار گیرند. بهمین خاطر گاه پیشاپیش افتاده ترین اخبار و یا اخباری که رژیم نسبت بدرز آنها هیچ گونه حساسیتی ندارد، به اطلاع مردم رسانده نمیشود. بهر حال نبوی در مصاحبه با سلام به نمونههایی از آن اشاره میکند. او میگوید: "اگر ما معتقدیم که آزادی بیان و قلم در چارچوب قانون و شرع خوب است، باید خود در این راستا پیشگام باشیم و واضع تغییر منقذ نباشیم. ما خودمان با سلیقه های عجیب و غریب، بسیاری از خبرهایی را که محرمانه نیستند، محرمانه طبقه بندی شده قلمداد می کنیم و مهر سانسور بر آنها می زنیم. مثلاً مادر حالی که با بوق و کرنا فتح خرمشهر را اعلام کردیم، هرگز سقوط آن را بطور رسمی مطرح نمودیم و این در حالی بود که هیچکس در کشور از سقوط خرمشهر بی اطلاع نبود. یا تمام دنیا خبر بمباران نیروگاه نکا را توسط هواپیمای عراقی پخش کردند اما وسایل ارتباط جمعی ما آن را، به بهانه ندادن اطلاعات به دشمن پخش نمی کردند آنهم در حالی که تلویزیون عراق خود فیلم این بمباران را نشان میداد" (سلام شماره ۱۰۵).

گرفته اند. رسالت مطالب متعددی را در ذم روزنامه سلام می نویسند و او را متهم می کنند که به بیگانگان خدمت می کند. تلاش زیادی صورت می گیرد تا جلو درج "اسرار نظام" در این روزنامه ها گرفته شود و یا بالکل این روزنامه ها تعطیل شوند. این روزنامه ها مدیر روزنامه صاحبه خویشی ها مدیر روزنامه سلام گوئی این مسئله است. او میگوید: "برای ما اصل و قاعده اعتقاد همه حوادث و رخداد های کشور است مگر اینکه بر حسب قوانین جاری و معتبر، ممنوع باشد" ولی: "از شما چه پنهان، گاهی اخباری به دستمان می رسد که نقل آن ها منع قانونی ندارد، ولی می ترسیم آن را منتشر کنیم، نه اینکه تصور کنید طبق قانون قابل تعقیب است... خلاصه اگر راستش را بخواهید یک خرده هم می ترسیم، حالا از چی، از تعطیل شدن روزنامه، از گرفتاری برای خودمان یا از چیز دیگر، فعلاً بیش از این اصرار نکنید و این رابه عنوان یک ضعف فعلاً ببینید."

رادیو و تلویزیون بلحاظ خبررسانی شدیداً تحت کنترل قرار دارد و سانسور شدیدی اعمال می شود. اخبار این ارگان ها توسط کارشناسان رژیم ساخته و پرداخته شده و به مردم خوراند می شود. وضعیت در این زمینه بگونه ای حاد است که حتی روزنامه رسالت که سلام رابه انشاء "اسرار نظام" متهم میکند زبان به شکوه گشاده و از حکومت می خواهد که مردم را در جریان امور بگذارد و بی سبب نیست که مردم رقیبت شدیدی را نسبت به برنامه های فارسی رادیو برخی از کشورها نشان می دهند. آنها از کانال این رادیو ها در جریان رویدادهای جمهوری جهان قرار میگیرند. جمهوری اسلامی تمام حساسیتی که دارد قادر نیست مردم را از این کار باز دارد.

انتخابات شوراهای بعد از انتخابات مجلس موکول شد

سرنوشت انتخابات کشوری شوراهای اسلامی که تاکنون چندین بار به تعویق افتاده است، همچنان ناروشن است. وزیر کشور در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات خبر داد که این انتخابات فعلاً برگزار نخواهد شد و حاضر شدن تاریخی نیز برای برگزاری آن تعیین نشده است. وی گفت: "بهتر است زمانی برای این انتخابات مشخص نشود بلحاظ این که تاکنون وعده هایی که در این زمینه داده شده، جامه عمل نبوده است" وزیر کشور دلیل تعویق چند باره انتخابات شوراهای همزمانی آن با انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی ذکر کرده و می گوید: چون زمان انتخابات شوراهای از هنگامی که انتخابات شوراهای در دستا بر گزار میشود تا

انتخابات شورای عالی استان ها، حداقل ۸ ماه طول می کشد و این مدت با جریان انتخابات مجلس توأم می شود، و وزارت کشور توان اجرایی دو انتخابات همزمان را ندارد، بنابراین انتخابات شوراهای اسلامی به تعویق افتاده است و در این مصاحبه ابراز امیدواری کرد که "پس از انتخابات مجلس شورای اسلامی با فرصت مناسبی، بتوانیم نسبت به این موضوع تصمیم بگیریم."

انتخابات سراسری شوراهای اسلامی از نظر آرایش قوای جناح های حکومتی به ویژه در سطوح پائین و بدنه رژیم دارای اهمیت است و از این رو این انتخابات یکی از انتخابات مهم در حکومت اسلامی است. دلایل فنی و اجرایی

در حاشیه رویدادهای سیاسی

نیروهای انتظامی مساله دارند!

است که در صفوف نیروهای انتظامی گسترش یافته است. طی هفته های اخیر مقامات درجه اول رژیم در مورد موفقیت های نیروهای انتظامی بعد از اقدام، تبلیغات زیادی کردند، و وعده های بیشتری دادند و فرماندهان و مسئولان این نیرو به حضور بسیاری از این مقامات از جمله هاشمی رفسنجانی، سید احمد خمینی، عبدالله نوری وزیر کشور و... رسیدند. اما هم آن تبلیغات و وعده ها و هم این دیدارهای پی در پی نشانه وجود "مسئله" در بین نیروهای انتظامی است.

زندگی و گرانی روز افزون بر میزان این نارضایتی ها افزوده است. معوق ماندن این طلبها از جمله به دلیل اقدام نیروهای مختلف انتظامی با یکدیگر وسایل و مشکلات و بی نظمی های فراوانی است که به بار آورده است.

رقابت های شدید بین فرماندهان کمیته ها، شهربانی و ژاندارمری سابق برای بدست گرفتن کنترل نیروی انتظامی، عدم اطاعت آنان از یکدیگر، گسترش بی نظمی در سطوح پائین تر از جمله مشکلات دیگری

حجت الاسلام رحمانی نماینده خامنه ای و رئیس سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی در مصاحبه ای در سنجند وعده داد که "تمامی طلبهای معوقه نیروهای انتظامی سراسر کشور به زودی پرداخت خواهد شد" وی قول داد که به این منظور منابع مالی لازم تامین خواهد گردید. وی توضیح بیشتری درباره این طلب های معوقه نداد اما تکمیل پاداش ها و حقوقها نارضایتی های زیادی در بین نیروهای انتظامی به وجود آورده است و هزینه های سرسام آور

سکوت ارگانهای امنیتی در مورد عاملان آتش سوزیها

سکوت ارگان های رسمی و امنیتی رژیم در مورد عاملان و دلایل این آتش سوزی ها از همین حساسیت موضوع ناشی میشود، زیرا هلنی ساختن آن به معنای وارد ساختن اختلافات به مرحله تازه ای است. با این حال این احتمال را نباید از نظر دور داشت که با نزدیک شدن انتخابات مجلس پرونده هایی از این ماجرا برای کوبیدن جناح حزب الله و جلوگیری از ورود عوامل آن به مجلس به میان آید.

کشور یا وزارت اطلاعات افراد مظنون دستگیر شدند و تحقیقات از آنان ادامه دارد."

وزیر کشور هیچ گونه توضیحی در مورد افراد دستگیر شده و نتایج تحقیقات نداد، اما دخالت وزارت اطلاعات در این مورد نشانه حساسیت موضوع است. از همان نخستین آتش سوزی های بزرگ بازار تهران این گمان که کار، کار انراطیون حزب الهی است در اذهان به وجود آمد.

آتش سوزی های بزرگ و کوچک در گوشه و کنار کشور ادامه دارد و یکی از بزرگترین آنها در هفته های اخیر آتش سوزی در بازار اهواز بود که خسارات عظیم و هنگفتی به بار آورد. در این حال، وزیر کشور بار دیگر تأیید کرد که بعضی از این آتش سوزی ها عمدی بوده است. وی در مصاحبه ای تأیید کرد که: "بعضی از این آتش سوزی ها عمدی بوده است و در بعضی موارد نیز غیر عمدی بوده است. در پاره ای موارد نیز توسط مأموران وزارت

"بسیار بسیار وحشتناکتر از مواد مخدر!"

بگیر و ببندها اکنون فغان سران حکومت از گسترش روز افزون "ویدئو" به آسمان رفته است، نشانگر در ماندگی رژیم در مقابله با اینگونه خواسته های مردم است.

ایدئولوژی است که جمهوری اسلامی ارایه کرده و می کوشد به زور چماق آن را به مردم تحمیل کند و اساس آن مخالفت با خواسته ها و نیازهای طبیعی فرهنگی و تفریحی انسان هاست. خود این واقعیت که هلیرفم همه

"مبارزه با ویدئو" یکی از اجزای ثابت "انقلاب فرهنگی" حکومت اسلامی و تلاش آن برای مقابله با "فرهنگ بیگانه" را تشکیل میدهد! ارگان های انتظامی و امنیتی رژیم برای مقابله با این "وسیله ضاله" تیم های تعقیب و مراقبت تشکیل داده اند، به شناسایی ها و تعقیب های گسترده دست می زنند، در مرزها و گمرک های کشور با حساسیتی ویژه در صدد جلوگیری از ورود ویدئو و فیلم های ویدئویی به ایران هستند. روزنامه ها هر روز خبر از تلاشی "باند های" توزیع نوارهای ویدئو و دستگیری ده ها نفری "اهل ان" آن را می دهند. اما به تأیید خود مسئولین رژیم، نتیجه همه این فعالیت ها ثمر بخش نیست. گفته می شود هم اکنون بیش از ۱/۵ میلیون دستگاه ویدئو در ایران وجود دارد و انواع مختلف فیلم های آن دست به دست در میان مردم میگردد.

دوشنبه ۶ آبان ۱۳۷۰ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۱۲
۲۸ اکتبر ۱۹۹۱ - شماره ۱۹۴۶۰

دو کلمه **حرف حساب**

مبارزه فرهنگی!!

عجب...! «ویدئو» مستقر می فرمای، آنهم توی آبدارخانه؟ دستگاه ضاله و ابزار مضره می آوری. آنهم درست بیخ گوش ما؟ ممنوع است پدر جان! قذغن است... مگر حضرتعالی خبر اکتشافات هر روزه آن را در صفحه حوادث جراید بومیه ملاحظه نمی فرمای؟ می گویند: قربانت بشوم! کج تابی نفرما. آنچه حضرتعالی ضاله و مضره و ممنوعه قلمداد می فرمای، همین بیخ گوش سرکار عالی، توی کوی و بوزن، در معرض بیخ و شرای علنی قرار دارد. شیشه عقب بعضی از ماشینها را ملاحظه ای فرما، اسم و رسم تازه ترین فیلمهای ویدئویی ماوراء بحار را با تراز شیرینک تبلیغ نموده اند. کور بشوم اگر دروغ بگویم. همین غضنفر با دو تا گوش چپ و راست خودش شنود کرده که گویا یک میلیون و اندی از این دستگاه ممنوعه، توی دست و بال مردم است. تعمیراتی های آن در جراید، اعلان می دهند. شما تمام قرآ و نصیات و بلاد کبیره و صغیره را ول کرده، چسبیده ای به آبدارخانه مافکنگی ما که چی؟ روایت شده که در منزل از شما پنهان هم یافت می شود. روای، نقه است. قلنا، حضرتعالی يك تك با تشریفان را بر بیرون، ما و غضنفر و مش رجب يك حالی می کنیم. يك رنگ نباشن ناشی استماع می نسیم. بعدا شما تشریف را بیآور ما ما مبارزه فرهنگی شما! خوب! قیول! آفرین گل آقایی نازی مامانی گل رگلاب! حالا آن احمقها را واکن... آ... هان چه با شک هم می شوی وقتی لیختن می زنی... جگوری مگوری!!

از زندگی در دناک مردم

وقتی کمر تبدیل به جمجمه می شود!

"تاکون شنیده بودیم که در بعضی آزمایشگاه‌ها، بر اثر سهل‌انگاری، پاسخ آزمایش‌های یک‌بیمار را به بیمار دیگری دهند یا اسم آنها را بجای هم می‌نویسند ولی نشینیده بودیم که در رادیو گرانی و عکس برداری اشتباهات مهمی انجام دهند، دوستی تعریف میکرد که میالم را برای گرفتن عکس از ناحیه کمر به یکی از بیمارستان‌ها بردم بعد از معطلی فراوان بالاخره موفق به عکس گرفتن شدم و پاسخ آن را هم گرفتیم وقتی که خانه رسیدیم از سر کنجکاوای پاکت عکس را باز کردم و با تعجب فراوان متوجه شدم که بجای عکس از ناحیه کمر - عکسی از جمجمه در آن قرار دارد اول فکر کردم اشتباه می‌کنم چند بار آن را به دقت نگاه کردم و به همسرم آن را نشان دادم او هم تایید کرد با خود گفتیم شاید عکس دیگری را بجای عکس مادر این

قصه قفل و سیم و نخ در قطار!

"یکی از بندگانه خدا که به تازگی با قطارهای مسافری تهران - مشهد از شهری به شهر دیگر رفته بود از وضع رقت بار سالن‌ها و کوبه‌های قطار که سینه سخن داشت و از اینکه چرا به سالن‌های فرسوده رسیدگی نمی‌شود و حتی مسائل ایمنی و حفظ جان مسافران در آن رعایت نمیگردد شکوه‌هایی بسیار داشت، می‌گفت: "وقتی که به اتفاق عیال و بچه‌ها به سمت سالی رفته‌ایم حدس می‌زدیم خالی باشد دیدیم اکثر کوبه‌ها پرده‌ها را انداخته و با زنجیر به آنها قفل آویز زده‌اند و از مامور هم خبری نیست که یکی از آنها را باز کند و بالاخره با جستجوی فراوان جای خالی در سالن پشت دیزل گیر آوردیم و نشستیم که اطفال هوای دستشوئی کردند، پشت سرشان رفته و با کمال تعجب دیدم که اگر دیر رسیده بودم چه بسا از قطار بیرون برت می‌شدند، چون درب سالن قطار به حالت نیمه باز یا سیمی کج و معوج به دستگیره‌ای لقی و بدون پیچ بسته شده بود در یک آن دست بچه‌ها را گرفتیم و عقب کشیدیم و تا میتوانستیم کمی آن را سفت کردیم و وقتی از این حادثه جان به سلامت بردیم، وارد کوبه شدیم دیدم یکی از دریچه‌های کوچک سقف قطار باز است و سیم برق به حالتی آویزان است که ممکن است با سر مسافران برخورد کند جوانکی

وضع زندگی مردم از زبان نمایندگان مجلس

کاوسی نماینده توسیرکان: "مملکت بعضی مدیران دستگاه‌ها تصمیم‌گیری‌های غلط از روندگار دولت‌جویی نموده و همان زندگی را از طبقه مستضعف جامعه گرفته است، حذف سوبسید در بعضی موارد تشریف جامعه را از پا در آورده، آزاد نمودن مرغ و تخم مرغ و بالا رفتن قیمت آن در بازار آزاد باعث شد که این دو قلم کالا نیز مانند بقیه ابزارنامه غذایی تشریف مستضعف جامعه حذف گردد. هزینه آب و برق و سایر خدمات هر روز بالا و بالاتر می‌رود و معلوم نیست در چه سطحی ثابت خواهد ماند تا تشریف کم درآمد جامعه برای آن حساب باز کند. متأسفانه عدم وجود نظارت و کنترل قیمت‌ها و آزاد گذاشتن دست بازاریان و واسطه‌ها قیمت بعضی اقلام را به بالاترین حد ممکن رسانده است. مثلاً در بازار تزل قلعه سبب زمینی کیلویی ۵۰ ریال گوچه فرنگی ۴۰ ریال و انگور ۱۸۰ ریال عرضه می‌شود در حالیکه در دیگر نقاط تهران سبب زمینی ۲۵ ریال گوچه فرنگی ۳۰ ریال و انگور تا کیلویی ۶۰۰ ریال عرضه میگردد."

از دردهای مردم با گزار شگر کیهان

"دستانش از شدت مصیبت می‌لرزید طوری حرف می‌زد که انگار ما متصر همه مشکلات و بدبختی‌ها هستیم. لحن صدایش نشان می‌داد که اندوه جانگازی را در دل دارد. هر حرفش را با یک چرباب می‌کرد. چرا دولت جلوی این گرانی سرسام‌آور را نمی‌گیرد؟ - چرا وعده‌هایی که در مورد ارزان شدن مرغ و تخم مرغ چندماه پیش به مردم دادند عملی نشده که هیچ، حتی به نوشته روزنامه خودتان قیمت مرغ و تخم مرغ ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر هم شده است. مگر یک نفر کارمند و یا کارگر چقدر حقوق و درآمد

در ترمینال نام "احسان" شد!

"وضع حمل و نقل مسافرنوز هم در ترمینال‌های تهران و شهرستان‌ها بسیار آشفته و تم‌انگیز است بطوری که در بزرگترین جاده ترانزیتی ایران (تهران - تبریز - اروپا) بی‌قانونی و بی‌نظمی کامل حکم فرماست. مسافری که به تازگی از تبریز به تهران آمده بود می‌گفت برای یک سفر کوتاه به منظور تهیه بلیط ساعت ۵ صبح به ترمینال تبریز مراجعه و جمعیت موج می‌زدولی از فروختن بلیط خبری نیست. و همگی بلیط بلیط کوتاه (بلیط تمام شد) خود را تیر تیر می‌گفتند روزی که نزدیک‌های غروب معطل شدم تا این که در ساعت ۶ بعد از ظهر متوجه شدم که دلال‌ها در وسط حیاط ترمینال بلیط تهران را به

وضعیت ناگوار بهداشت در مدارس کشور

در مورد واکسیناسیون که پایه سلامت دانش آموزان می‌باشد بعد از همکاری چندانی ندارد حتی تا سال گذشته از تزریق واکسن خودداری می‌کردند. قبلاً دانش آموزان مدارس سمیه‌ای در بعد از داشتن که آزمایش‌های لازم را بدون نوبت انجام می‌دادند اما در حال حاضر آن سمیه حذف شده است. منتیان در مورد طرح بیمه دانش آموزان می‌گوید: بعضی از شرکت‌های بیمه مثل البرز با آموزش و پرورش قرار می‌بندند اما خدمات و اهداف آن طور که در ابتدا مطرح بود دنبال نشده است. مثلاً در مورد جراحی و بیماری‌هایی که هزینه سنگین دارند نتوانسته‌اند به دانش آموزان کمک کنند و فقط در مواردی مقداری کمک کرده‌اند. وی می‌گوید: شاخه ما برای هر یک هزار دانش آموز یک مربی دارد و تقسیم بندی مربیان در مدارس ناهماهنگ است. هم‌اکنون نیاز در مناطق پائین در مدارس جنوب شهر ۴۰۰ مربی و در مدارس شمال شهر ۵۰۰ تا ۶۰۰ مربی بهداشتی وجود دارد. خانم منتیان همده مشکلات مراقبان بهداشتی را در کمبود نیرو و کمبود بودجه می‌داند و می‌گوید مادر تهران ۳۷ میلیون بودجه سالانه نمی‌توانیم وسایل اولیه کافی را تهیه کنیم.

یادداشت اقتصادی اجتماعی

زندگی کارمندان

"و عده و وعده‌هایی که در طول سال‌های گذشته نسبت به بهبود زندگی کارمندان دولت داده شده است از حد شعار خارج نشده و افزایش دو هزار تومانی به حقوق کارکنان دولت نیز هیچ دردی از آنان دوانکرده است. این پاسخ یکی از کارمندان دولت به گزار شگر کیهان است. کارمندان هم‌چنان در تنگناهای سخت و فشارهای زیاد زندگی خود را می‌گذرانند. آنها جز آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه در مقابل افزایش شتابان قیمت کالاها و خدمات هستند. افزایش ناچیز حقوق کارمندان با توجه به افزایش سریع قیمت کالاها، تأثیری بر زندگی آنها نبخشیده است. آنها زیر آوار اجاره بجا، سرسام‌آور مسکن و تورم فزاینده به سختی نفس می‌کشند. کارمندی که فاقد مسکن هستند مجبورند بخش اعظم حقوق خود را در اختیار صاحب بگذارند. صاحب خانه‌ها با بالا رفتن قیمت زمین و مسکن از یکسو و از سوی دیگر افزایش قیمت کالاها و خدمات مرتب بر میزان اجاره‌ها مسکن می‌افزایند و اجاره‌نشین‌ها از جمله کارمندان را تحت فشار می‌گذارند تا اجاره‌ها را بالا ببرند. کارمندان مجبورند سال به سال میزان بیشتری از درآمد خود را به اجاره بپردازند. کارمندان جزو اقشاری از جامعه‌اند که در طی حکومت اسلامی سطح زندگی‌شان و قدرت خریدشان پائین آمده است. به نوشته روزنامه کیهان: "طبق یک آمار قدرت خرید کارکنان دولت از رقمی معادل ده هزار تومان در سال ۵۶ به رقمی حدود یک هزار و ۲۰۰ تومان در سال ۶۵ کاهش یافته است." (کیهان - ۲۹ مهر ۱۳۷۰). یعنی قدرت خرید کارمندان به یک هشتم رسیده است. از سال ۵۶، به اینسو تورم سال به سال بالا رفته است و نتیجه در سال ۷۰ این رقم بازم کاهش بیشتری را نشان خواهد داد. افت قدرت خرید کارمندان به یک هشتم، زندگی آنها را با مشکلات و مسائل بیشماری مواجه ساخته است. اگر همان سال ۵۶ را مبنای قرار دهیم برای حفظ قدرت خرید کارمندان در سطح سال ۵۶ می‌بایستی حقوق آنها ۸ برابر افزایش می‌یافت یعنی بالغ بر ۷۰۰ هزار تومانی که ماهانه ده هزار تومان حقوق دریافت می‌کند باید ۸۰۰ هزار تومان حقوق داده میشد. یعنی ماهیانه ۷۰ هزار تومان به حقوق اضافه می‌شد تا سطح زندگی خود را در ماه حد سال ۵۶ نگه‌دارد. در حالیکه دولت دو هزار تومان بر حقوق آن افزوده است. مقایسه دو هزار تومان با هفتاد هزار تومان (در مورد کارمندان با حقوق ۱۰ هزار تومان در ماه) ناچیز بودن این افزایش را نشان می‌دهد. بی سبب نیست که کارمندان دولت میگویند که افزایش دو هزار تومان به حقوق ما هیچ دردی از ما را دوا نکرده است. سال‌ها بجان دولت در عدم افزایش حقوق کارمندان، آثار تورم زای آن است. گرچه در این سخن واقعیتی نهفته است ولی باور ندارند.

آینده کمونیسم

مقاله زیر که از نشریه "دیدگاه بین المللی" (شماره ۲۶ نوریه ۱۹۹۰) ترجمه شده است، بیانگر دیدگاه تروتسکیست های چپ در مورد بحران فعلی در جنبش کمونیستی و آینده مبارزات کمونیست هاست.

اول ماه دسامبر ۱۹۸۹ هفته نهمه در زمان ۲۴ آلمان غربی، بیست و پنج صاحب نظر را گرد هم آورد تا درباره موضوع روز پایان کمونیسم (۱) تبادل نظر کنند. شرکت کنندگان در این گردهمایی را می توان به سه گروه تقسیم کرد. اکثریت غالب: سوسیال دموکرات های دست راستی، لیبرال های دست چپی یا میانه هم از شرق و هم از غرب که جانبدار اصلاحات گورباچف بوده و طرفداران پروپاقرص اقتصاد آزاد هستند، اقتصادی که با اضافه شدن حامل دولت به آن باید "انسانی" شود. مهمترین نمایندگان این جریان، رهبران حزب سوسیالیست آلمان غربی (S.P.D)، "برانت"، "اشمیت" و "بار"، رئیس جمهور آلمان غربی و ایتسکر، یکی از رهبران سوسیال دموکرات های سوئد، ایدئولوگ اصلی جنبش "همبستگی"، برانسیلا و گیرمک، یکی از رهبران حزب کمونیست ایتالیا، "گره"، "رالف دارندورف"، مدیر پیشین آکادمی اقتصاد لندن، سفیر مجارستان در برلین و اقتصاد دانان روسی: "بوگومولوف" و "اشملیدوف" بودند.

گروه دوم، کسانی بودند که نسبت به گورباچف موضع سرد آمیزی داشتند. مثل مدیر روزنامه "لوموند"، آندره فونتن، یاطرفداران رک و راست استقرار مجدد سرمایه داری، مثل "هنری کسینجر"، "جرج موروس"، بانکدار آمریکایی و یکی از روسای بانک هلند (۲). گروه سوم از شرکت کنندگانی تشکیل می شد که اساسا با سرمایه داری در تضاد هستند؛ مورخان ریش سفید مارکسیست آلمان شرقی یورگن کوژینسکی، همزیست هفت ماهه روسی اوگونیاک ویکتور کوروتیش و یک سوسیال دموکرات چپ از آلمان غربی "ایرونیک فیشر". دستنویس این مباحثات به دو دست صفحه کتاب جیبی بالغ میشود. از این میان فقط یکی از شرکت کنندگان، پروفسور "کوژینسکی" سرسخانه اعتقاد خود را به آینده کمونیسم ابراز داشت. دیگران همه بر این عقیده بودند که دوران کمونیسم به پایان رسیده است. اما چیزی که به سختی می توان آن را باور داشت این است که در تمام ۲۰۰ صفحه یک بار هم کسی از طبقه کارگر یا جنبش کارگری امروز صحبت نمی کند! حتی "کوژینسکی" نویسنده کتاب های بسیار درباره شرایط تاریخی طبقه کارگر در بسیاری کشورها، بدون اشاره حتی یک بار به طبقه کارگر و مبارزه یا جنبش کارگری از آینده کمونیسم دفاع می کند.

هر کس، حتی کمی تحصیل کرده باشد، می داند که کمونیسم محصول انقلاب اکثریت انقلاب کوپا نیست. بلکه کمونیسم جریانی است در جنبش جدید کارگری که در برابر سرمایه داری قیام می کند. اولین سازمان کمونیستی "جامعه مساوات" با یوف ب به سال ۱۷۹۶ و نه سال ۱۹۱۷ بر می گردد. مرانامه کمونیسم در سال ۱۸۴۸ و نه سال ۱۹۵۸ منتشر شد. صاحب نظرانی که در هامبورگ گرد آمده بودند مسلما از این حقیقت اولیه آگاه بودند. در آن صورت آشکارا این نتایج حاصل می شود: تنها با اشاره بر آنچه که امروز در شوروی، اروپای شرقی و چین می گذرد نمی توان، موضوع کمونیسم را مختومه اعلام کرد. بلکه به آنچه در کشورهای سرمایه داری در کشورهای امپریالیستی و یا کشورهای جهان سوم می گذرد هم باید توجه کرد.

اما این سیاستمداران و ایدئولوگ ها همگی خواهان مصالحه با بورژوازی هستند، که تنها با حفظ سرمایه داری رفرمیستی، قابل دستیابی است. از این رو باید برای خود چنین توجیه کنند که آینده کمونیسم تضادهای درونی سرمایه داری و پویایی های مبارزات و جنبش کارگران (۳) جد است. هر کس بگوید که چنین جدایی بی معنی است، مطمئنا از مصالحه میزگرد هامبورگ باز زده است و از این رو به "تخریب" متهم می گردد. هر چند چنین اتهامی مبتنی بر "سوختنهای" است که قدمت آن به قدمت انقلاب فرانسه بر

نوشته: ارنست ماندل

ترجمه: رامین جوان

می گردد. مبارزه طبقاتی پرولتاریا یا مبارزه جایگزین بلانل آن، "دولت چهارم" محصول "دکترین" یا تلاشهای "محرکان خربکار" (یا رهبران مخفی) نیست. همین اصل در هر مبارزه طبقاتی دشمنان آن، بورژوازی و قشرهای وابسته بدان هم صادق است.

این مبارزات طبقاتی از تضادهای گریزناپذیر و سرکوب ناپذیر منافع مستقر در شرایط اقتصادی - اجتماعی ناشی می شود. این واقعیت مبارزه طبقاتی است که به نظریه مبارزه طبقاتی امکان ظهور می دهد نه برعکس.

هیتر هم مبارزه طبقاتی را منع میکرد.

هیتر هم به نظریه "یهودی مارکسیستی" مبارزه طبقاتی دشنام می داد. وی وقتی تمام اتحادیه های کارگری و تمامی سازمانهای کارگری را سرکوب کرد، وقتی مبارزان آنها را زندانی کرد یا کشت، وقتی اعلام کرد که در کارخانه ها تنها مدیران به نام "اصل رهبری" تنها گردانندگان اصلی کارخانه هستند، در واقع حتی این زمان هم هیتر، به صورت رهبر آورو غیر قابل انکار اصل مبارزه طبقاتی را در برابر مزد بگیران و به نفع سرمایه داران به کار می بست. خانم تاجر هم از صمیم قلب از دکترین مبارزه طبقاتی متنفر است. اما او هم با هر نفس، در هر ساعت از بیست و چهار ساعت، حتی اگر روشهای کمتر از هیتر از خشونت برخوردار باشد، همان مبارزه طبقاتی بورژوازی را دنبال می کند.

نیروهای مخرب واقعی، آنهایی نیستند که توده ها را به انقلاب فرامی خوانند، بلکه اعمال و افعال بی ثبات کننده از قبیل بستن کارخانه ها، سرکشیه کردن کارگران، سریع کردن آهنگ کار، حمله های نوبه ای برای محدود نگاه داشتن مزد، افزایش نابرابری های اجتماعی، فقر جهانی "جهان سوم"، مرگ سالیانه بیش از ۱۶ میلیون کودک از گرسنگی و امراض در مان پذیر و انکار حقوق اولیه زندگی از صدها میلیون انسان است. نیروهای اجتماعی که این مسائل را باعث می شوند، این امر را نه از روی بدخواهی یا کور بودن انجام نمی دهند. از آنجا که اصل جامعه سرمایه داری آنها را به این اعمال سوق می دهد، آنها به این اعمال دست می زنند. خطر از دست دادن سرمایه و امکانات افزایش آن، یعنی انباشت سرمایه است که آنها را به این اعمال وامی دارد.

به این دلیل است که تا موقتی که سرمایه داری وجود دارد، مبارزه طبقاتی پرولتاریا هم وجود خواهد داشت. و به همین دلیل است که مبارزه طبقاتی همیشه به جریانی سیاسی امکان ظهور میدهد که به ورا نیازهای فوری نگریسته و این برآوردن نیازها را با تلاش برای جایگزین کردن سرمایه داری با جامعه ای با شکل انسانی تر، همراه میکند. و به همین دلیل است که باید از آینده کمونیسم مطمئن بود، دست کم تا موقتی که سرمایه داری وجود دارد.

از آن مهمتر: سرمایه داری دچار لعنتی ابدی است. نه تنها تضادهای درونی آن به صورت نوبه ای بدرت شده و امکان بروز انواع بحران های انفجار آمیز را ایجاد می کنند. این نظام حتی بدون پرولتاریا قادر به رشد هم نیست. به این معنی که این نظام در آن واحد نیروی نابود کننده خویش را در خویش می پرورد. آینده کمونیسم بر این رشد پرولتاریا، که ناشی از پیشرفت سرمایه داری است مبتنی است. به یاد داشته باشیم امروز بیش از هر زمان دیگری در گذشته، مزد بگیر وجود دارد.

گرایش دراز مدت: جنبش کارگری قوی تر در دراز مدت گرایش به قوی تر شدن و نه ضعیف شدن سازماندهی، همیاری و همبستگی مزد بگیران است. بانگاهی به رشد متعادل تعداد اتحادیه های کارگری در سال های ۱۸۵۰، ۱۹۰۰، ۱۹۵۰ و ۱۹۹۰ و گستره عملکردشان، از جمله اعتصاب های عمومی، می توان به درستی این گفته پی برد. چنین مقایسه ای آشکار می کند که به استثنای معدودی کشورها، گرایش فزاینده در تمام کشورهای طی یک قرن یا نیم قرن گذشته هیچ نوسان و پستی را نشان نمی دهد. سوسیالیسم به معنی بازسازی جامعه بر مبنای

همیاری و همبستگی است که آزادانه پذیرفته شده و به هیچ وجه تحمیلی نیست. و این خلعت های پرتوتاریا از طریق سازمان های خود به آنها نائل می شود. سوسیالیسم در واقع اگر فرمول بندی دیگر مارکس را به کار بگیریم "حکومت تولیدگرانی است که آزادانه با هم متحد شده اند".

پرولتاریا این کیفیات را از جمله در جامعه بورژوازی با نیروی اجتماعی و اقتصادی اش در کنار هم گرد می آورد تا امر بازسازی را به انجام رسانده این پرولتاریا و تنها پرولتاریاست که ثروت (Δ) جامعه را تولید می کند.

انقلاب سوم صنعتی این ویژگی را نه تنها تضعیف نکرده بلکه تقویت هم کرده است. در حقیقت مزد بگیران بخش انرژی، ارتباطات، الکترونیک، بانکداری، آموزش، بهداشت امر روزی یکی از ستون های اصلی جنبش اتحادیه کارگری هستند. این امر در مورد مجموعه کارگران بخش عمومی بجم صادق است. اینان غالباً نسبت به کارگران معادن، معدن، اتومبیل سازی یا ساختمان از امکانات گسترده تری در فلج کردن اقتصاد سرمایه داری برخوردار هستند.

وانگهی در پی آمد تبلیغات دروغین استالینیستی و دیوانسالاران پس از استالین، که احزاب کمونیستی کشورهای سرمایه داری و دیوانسالاری بین المللی آن را صرفاً تکرار کرده اند، در نظر بخشی از پرولتاریای بین المللی و بخش عمده نظر عمومی جهانی، طرح کمونیسم با "سوسیالیسم واقعا موجود" در شوروی، اروپای شرقی، چین و کره شمالی و سایر جاها مساوی تلقی می شود. اکنون که بحران در تمام این جوامع رو به انفجار است، بورژوازی، سوسیال دموکرات ها و ایدئولوگ های سوسیال دموکرات نوین در کشورهای پس از سرمایه داری ادعا می کنند که کمونیسم و مارکسیسم در حال از نقطه نظری کاملا عینی به سادگی می توان این اندیشه را رد کرد. آنچه که در شوروی و سایر کشورها در حال فروپاشی است استالینیزم است نه کمونیسم، لنینیسم یا مارکسیسم. استالینیزم محصول ضد انقلاب است و نه انقلاب. استالینیزم برای پیروزی خویش باید هم حزب لنین را نابود کرده و ۹۰ درصد اندیشه ای او را لگدمال کند. تازه اگر سرنوشت اندیشه های مارکس سخن نگفته باشیم، این واقعیت که مستبدی چون بنیارت به انقلاب فرانسه اشاره می کند، اساسا مولفان "علاجیه حقوق بشر" یا ژاکوبین ها را مسئول فساد دستگاه حکومتی بنیارت، وحشت سفید یا سرکوب آزادی اجتماعی و صدها هزار قربانی های جنگ های بنیارت نمی کند. وانگهی هیچ فرد با کمال حسن نیتی نمی تواند قبول کند که استالینیزم، عمل به آن در دوران بعد از استالین و ایدئولوژی های که به دنباله روی از آن پرداخته اند، از تعلیمات مارکس سرچشمه می گیرند.

اما اندیشه های توده های کارگر از تجربیات زندگی و مبارزه اشان که از صانی تاثیرات ایدئولوژیک سیاسی و وفاداری سازمان هایشان گذشته، برمی خیزد. هیچ قشر اجتماعی گسترده ای وجود ندارد که از چنین تاثیراتی مبرا باشد. و به همین دلیل است که تصویری که توده ها از جماعیر شوروی در راه تحقق طرح سوسیالیسم در نظر داشتند اکنون در جهت عکس کمونیسم عمل می کنند.

اینکه بگویم، رهایی توده ها از توحمی که واقعیت شوروی آنها را دچار آن کرده. محصول تبلیغات سرمایه داری است و یا فشارهای خورشچوف و گلاسنوست. حرف بی اساس است. تبلیغات ضد کمونیستی در سال های بی درنگ بعد از انقلاب اکتبر بسیار کینه جویانه تر از اکنون بود. اما در آن زمان به نظر نمی رسید که این تبلیغات اثر بزرگی روی کارگران باقی گذاشته باشد.

عدم پذیرش "الگوی شوروی" از سوی همین کارگران امروزه، نه محصول تبلیغات سرمایه داری که محصول شناخت و واقعیت مایوس کننده موجود است. یک هویت دورقین این شناخت را بیشتر تقویت می کند، تا آنجا که نقطه نظر غیر انتقادی گذشته نسبت به واقعیت اتحاد جماعیر شوروی، چین و غیره را سراسر دگرگون می کند.

هویت دروغین استالینیزم و کمونیسم دیروز، مردم به استالینیزم "آری" گفتند، چرا که به دروغ با کمونیسم یکی پنداشته می شد. اکنون همان مردم به کمونیسم نه می گویند چرا که باز هم به دروغ - با استالینیزم یکی پنداشته می شود. این هویت دروغین دیگر همچون تعلیمات استالینیستی یا تاتاریای دیوان سالاری، نمی تواند گرایش به سوسیالیسم را که در مبارزات عظیم کارگران مستتر است، سد کند.

اما عامل ایدئولوژیک مسلما در شرایط فعلی ترمزی خواهد بود. تردید برآمده از روشکستگی استالینیزم با تردید ناشی از یکی شدن اصلاح طلبان سوسیال دموکرات و سوسیال دموکرات های نوین در جامعه بورژوازی، دست در دست هم عمل

می کنند. این یکی شدن در نظر اکثریت مزد بگیران، از جمله آنها که جانبدار سوسیال دموکرات ها هستند، کاملاً برجسته است. این ها به معنی آراء به نفع فسادگری است اما نماینده ای این توم نیست که احزاب سوسیالیست از طریق اصلاحات، از میان بردن سرمایه داری را نشان داده اند.

اما خود زندگی، حرکت واقعی تاریخ، گرایش های رانمودار میکند که به ما امکان می دهد بر این تردید غالب شویم. مهمتر از همه این است که جنبش کارگری جدیدی در سال های اخیر در پاره ای از کشورها آغاز شده که از بیداری طبقه کارگر نسبتاً جوان سرچشمه گرفته است، طبقه کارگری که نه استالینیزم و نه اصلاح طلبی سنتی بر ذهن آن سنگینی می کند.

در این جنبش کارگری جدید، اثری از احساس شکست تاریخی و تردیدی که ویژگی جنبش کارگری گذشته بوده نیست. بلکه در این جنبش کارگری، گرایش به مبارزه با جامعه بورژوازی در تمامیت آن احساس می شود. این مورد را در برزیل، آفریقای جنوبی، و در کره جنوبی می بینیم و این احتمال هست که این پدیده در مکزیک، هند، پاکستان، نیجریه، مصر و ایالات متحده هم تحقق یابد.

شکل گیری جریان های ضد دیوانسالاری در مجموعه های کشورها که جنبش کارگری در آنها در سلطه دستگاه های دیوانسالاری سنتی است، جناح در حال رشد جنبش، اتحادیه کارگری همواره خود را از سلطه آنها خارج میکند، این جنبش تحت فشار شرایط عینی کم کم اهداف گسترده تری اتخاذ می کند. اگر توجذ جریان های سوسیالیست های انقلابی در این جنبش بالا گیرد، طرح سوسیالیستی بتدریج اعتبار توده ای را باز خواهد یافت. این امر اثر عمده ای در ایجاد بحث در چهار جوب احزاب کارگری توده ای به کار گیرند که تا حدی از سلطه دستگاه های سنتی رها شده است.

در نهایت، شکل گیری انگیزه برای حرکت های توده ای در آلمان شرقی و چکسلواکی و رشد آرام اما واقعی حرکت توده ای در شوروی و بسیاری کشورهای دیگر اروپای شرقی، طبیعت متناقض این بحران باورها را نشان می دهد. در سه بخش از انقلاب جهانی، طرد استالینیزم و طرد دیوانسالاری، نیروهای عظیمی را که می توان در خدمت آزادسازی و مبارزه با جامعه بورژوازی در تمامیت آن به کار گرفت، آزاد می کند.

این طرح پر تضاد در حقیقت بیان قابلیت از خود انتقادی و خود تصحیح گر انقلاب های پرولتاریایی است که مارکس در "مجموعه پرومرو لویی بنیارت" به آنها تاکید می کند. این امر از طرفی ضمانتی است بر آینده کمونیسم (V) و از طرفی بیانگر احتمال پیروزی آن است. اما به یک شرط که سوسیالیست های انقلابی و کمونیست های یکبار و برای همیشه خود را از هر نظریه و عملی که در بارنده ای طرزو تلقی جایگزینی، رئیس وارانه و سلطه جویانه برای جنبش کارگری است، رها کنند.

کمونیسم یعنی آزادی رسیدن به جامعه ای انسانی تر و عادلانه تر برای اکثریت بزرگ نوع بشر. نیل به جامعه ای که از نظر کیفی بر جامعه سرمایه داری ارجح است. تا موقتی که تضادهایی که سرمایه داری را از هم می گسلند در کارند و جامعه را به سوی بحران می کشانند، اندیشه جوامع سوسیالیستی بدون طبقه، شکل عادلانه تری برای زندگی اجتماعی تلقی می شود.

برگ موازنه سرمایه داری قرن بیستم را نقطه رجوع به میانگین استاندارد زندگی مردم آمریکا، یا رفاه اجتماعی سوئد یا آلمان غربی که در نهایت تاحد زیادی نتایج پیروزی طبقه کارگر است - نمی توان تعیین کرد.

بلکه باید فقر و حشنتاک ۸۰ درصد ساکنان "جهان سوم" را هم حساب کرد. دو جنگ جهانی که به بهای جان نزدیک به ۱۰۰ میلیون انسان تمام شده و جنگ های منطقه ای از سال ۱۹۴۵ را باید به حساب آورد. جنگ منطقه ای که نیروهای طرفدار سرمایه داری در موزامبیک به راه انداخته، به بهای جان ۹۰۰۰۰۰ تن تمام شده. بحران های اقتصادی راهم باید به تصور در آورد. دیکتاتوری های نظامی فاشیستی و نیمه فاشیستی بی شمار را هم باید به حساب آورد. شکنجه را که در پنجاه کشور جهان امری عادی تلقی می شود را هم باید به حساب آورد.

مارکسیست ها ناگزیر از روزالوکزامبورگ شروع کنیم. حق را شنید که آینده ی بشریت را در ابتدای قرن در مرحله "سوسیالیسم یا بربریسیم" جمع بندی کنند. بربر یسم قبل از آن که کریمترین مهره ای خود را در جایات نازی ها نشان دهد، در جنایات استعمارگران، از جمله استعمار نظامی ژاپن و در دکترین های نژاد پرستانه که با اعمال فیر انسانی بر قربانیانش از این خیانت ها دفاع می کند، خود را به اثبات رسانده بود.

خبرها و نظرها

اطلاعیه های هیات اجرائی حزب توده ایران

اخیرا از سوی دو بخش هیئت اجرائیه حزب توده ایران، چند اطلاعیه پیرامون مسایل مورد اختلاف آنها انتشار یافته است، که در زیر قسمتی از آنها آورده میشود.

در اطلاعیه پنج نفر از اعضای هیئت اجرائیه که با عنوان "هیئت اجرائی کمیته مرکزی حزب توده ایران" در ۲۳ تیرماه پخش شده است، گفته شده است:

دموکراتیک انتخابات بر پایه یکفروغ رای و انتخابی بودن همه نمایندگان آن، اعتقادی نیست. وی سپس دستور کار اجلاسیه را بشرح زیر پیشنهاد کرد:

۱- بررسی نحوه تدارک کنگره بعنوان مرکزی ترین مسئله

۲- انتخاب کمیته تدارک مرکب از اعضا هیئت اجرائی، کمیته مرکزی و نیز کادرها به منظور تنظیم نهائی طرحهای برنامه و اساسنامه بر اساس نظرات رسیده از سازمانها و اعضا حزب و هم چنین تنظیم طرح معیارها برای نظر خواهی و دیگر امور مربوطه تدارک عملی کنگره.

با کمال تأسف باید گفت، بلافاصله پس از طرح مسائل مربوط به دستور روز یکی از رفقا بدون دادن فرصت مذاکره پیرامون پیشنهادها، نوشته ای را قرائت کرد که در آن به بهانه به بن بست رسیدن کارها در هیئت اجرائی خواهان دعوت فوری پلنوم کمیته مرکزی شد.

در نوشته گفته میشود، در صورت رد این پیشنهاد، ماشف نفر امضا کنندگان طرح پیشنهادی، از شما "خدا حافظی میکنیم".

آن عده از اعضا هیئت اجرائی که به حل دموکراتیک مسائل اعتقاد دارند یعنی به نظرات بدنه حزب اهمیت میدهند، با طرح مسائل پیش گفته در باره مصوبه پلنوم و برخورد منطقی اعضا حزب به ضرورت اجرای عاجل آن، اولتیماتوم رفقای ۵ نفری که مطابق معمول بنام ۶ نفر ارائه شده بود، غیر منطقی دانستند.

برای پیدا کردن راه برون رفت از بن بست مصنوعی که رفقا مبتکر آن بودند پیشنهاد شد تا طریق کاملا دموکراتیک تنظیم کتبی نظرات هر دو طرف ارائه آن به اعضا و هواداران حزب بمنظور قضاوت نهائی، در پیش گرفته شود.

با تأسف باید خاطر نشان سازیم ۵ نفر از اعضا هیئت اجرائی هر دو پیشنهاد مربوطه "بررسی تدارک کنگره به عنوان مرکزی ترین مسئله دستور روز" و نظر خواهی از توده های حزبی را برای پایان دادن به "بن بست" رد کردند.

صدر حزب که در چنین حالاتی مسئولیت ادامه کار در جهت تدارک کنگره را نباید به زمین بگذارد به جلسه هیئت اجرائی با شرکت رفقای آماده به کار ادامه داد.

ببست و دوم تیر ماه ۱۳۷۰ اجلاس هیئت اجرائی با شرکت کلیه اعضا آن تشکیل شد. با توجه به رویداد مهمی که ناشی از حمل غیر اصولی چند نفر از رفقا بود ضرور میدانیم برای اطلاع همه رفقا توضیحاتی در باره آن بدهیم. شرکت کنندگان در نشست به حق با جلب نظر هیئت اجرائی به مهلت تعیین شده از جانب پلنوم فروردین ماه، خواستار هر چه سریع تر و بلاواسطه برگزاری کنگره سوم شدند. از سوی دیگر پس از انتشار طرحهای برنامه و اساسنامه اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج نظرات مشروح خود را در باره احکام طرحها ارائه کردند که بخشی از آن هادر ده شماره مسائل حزبی (شماره دهم بزودی انتشار خواهد یافت) با وجود اشکالات، انتشار یافته و بخش عمده نظرات که عبارت از پیشنهادهایی مشخص اصلاحی است در پرونده ویژه جمع آوری شده و باید در اختیار کمیسیون تدارک قرار گیرد.

صدر حزب با در نظر گرفتن مسئولیت مهمی که در اجرای مصوبات پلنوم بعهده دارد در آغاز اجلاس ۲۲ تیر ماه بهنگام پیشنهاد دستور کار از جمله گفت: "پانزده ماه از پلنوم فروردین ماه ۶۹ میگذرد، با وجود نارسائیهای فراوان، محتوا و مضمون حرکت اکثر رفقای اعضا اصلی و مشاور کمیته مرکزی بطرز خالی از ابعاد، اراده حزب را به تجدید توأب به بازبینی عمیق راه طی شده و تعیین دقیق راه در پیش قرار گرفته حزب، یعنی تدوین و تصویب اساسنامه و برنامه حزب، متناسب با اوضاع و احوال در حال تحول ایران و جهان، از طریق تدقیق مبانی و موازین ایدئولوژیک و سیاسی حزب، در بحرانی ترین دوران جنبش کمونیستی- کارگری نشان داد.

انتظار میرفت که هیئت اجرائیه جدید پس از پلنوم با تمام قوا در راه اجرای مبرم ترین و حیاتی ترین تصمیم گام بر میداشت، متأسفانه آنطور که مباحثات در جلسات هیئت اجرائی نشان داده عده ای از رفقا باز سازی را از طریق تشکیل کنگره دموکراتیک برای مستقیم و بلاواسطه اعضا حزب دنبال نمیکند. نتیجتا تاکنون کمیسیون تدارک کنگره تشکیل نشده است. "گزارش" ها، "بیانیه" ها، و اظهار نظرهای بسته گریخته تعدادی از اعضا هیئت اجرائی چنین بر میآید که اصولا به کنگره با اجرای اصل

این جلسه پس از بحث به نتایج زیر رسید:

۱- گزارشی برای اطلاع رفقا و نیز قضاوت آنان پیرامون رویداد اجلاس ۲۲ تیر تنظیم کند و در اختیار سازمانها قرار دهد.

۲- شرکت کنندگان در این جلسه، "خدا حافظی" پنج نفر از رفقای هیئت اجرائی را به هیچوجه بهانه پایان شرکت آنها در جلسات هیئت اجرائی تلقی نمیکند و برآند که هر یک از آنان میتواند هر وقت اراده کرد در جلسات هیئت اجرائی شرکت جوید.

۳- اعضا کمیته تدارک با شرکت

می دانیم و اعلام می کنیم که هرگونه تصمیم گیری و اقدام به نام هیئت اجرائی توسط اقلیتی از این ارگان مقایر با موازین حزبی است و مسئولیت آن بر دوش خود رفقا خواهد بود.

بر خلاف آنچه در نوشته ۲۳ تیر ماه اقلیت اعضای هیئت اجرائی آمده است اختلاف نظر در درون هیئت اجرائی نه امری مبهم و مصنوعی، بلکه موارد روشن و اساسی بر سر اداره امور جاری حزب و بویژه تدارک کنگره سوم حزب است. به اعتقاد ما تدارک نظری کنگره بویژه در زمینه تدوین طرحهای برنامه و اساسنامه که سر نوشت مسائل حیاتی حزب نظیر هویت و ماهیت و اهداف سیاسی و اجتماعی آنرا تعیین می کند باید طبق مصوبه پلنوم و از طریق انجام یک بحث و تبادل نظر خلاق و فراگیر در تمام سطوح حزب عملی شود و کمیسیون مربوطه به جمع بندی این بحث پردازد.

بحث بر سر جدول از مصوبات پلنوم فروردین ماه، عدم ایجاد شرایطو مکانیزمهای ضرور جهت سازماندهی یک بحث و تبادل نظر فنی و شایسته در درون حزب، اتخاذ سیاست "فرار به جلو" و برگزاری یک اجلاس غیر دموکراتیک زیر نام کنگره سوم حزب است که از نظر مانی تواند پاسخگوی نیازهای اساسی حزب مادر این مرحله از بحران حاد در جنبش چپ در ایران و جهان باشد. ما بار دیگر از ۵ نفر رفقای امضا کننده نوشته ۲۳ تیر ماه دعوت می کنیم تا با متوقف ساختن اقدامات مقایر با موازین سازمانی، پایان بخشیدن به روند نگران کننده ای را که از پلنوم فروردین ماه تاکنون نیز ادامه داشته و وحدت و یکپارچگی حزب را به مخاطره انداخته است میسر سازند. در همین رابطه

برگزاری یک اجلاس فوری هیئت اجرائی را ضرور می دانیم که البته تدارک هر چه سریعتر آنرا نیز از صدر هیئت اجرائی خواستار شده ایم.

همین جمع در اطلاعیه دیگری "گزارش اجلاس فوق العاده هیئت اجرائی به همه اعضای حزب توده ایران" در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۷۰ با شرکت اکثریت اعضای آن برگزار شد.

اجلاس فوق العاده هیئت اجرائی کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۴ شهریور ماه ۱۳۷۰ با شرکت اکثریت اعضای آن برگزار شد.

دستور کار اجلاس ۲۴ شهریور ماه بطور عمده راه جویی برای رفع موانع موجود بر سر راه تدارک کنگره سوم حزب بود. اجلاس پس از بحث و بررسی در این مورد به نتایج زیر رسید:

۱- برگزاری کنگره سوم حزب اگر بخواهد از کیفیت لازم برخوردار باشد و نقش واقعی و موثر در نوسازی مضمون و شکل فعالیت حزب ایفا کند باید با بهره گیری از تجارب و نظرات فعالان و هواداران حزب در داخل کشور و همچنین شرکت هر چه وسیعتر اعضای حزب در خارج از کشور به طور دموکراتیک و فراغ از برخوردهای تنگ نظرانه تدارک دیده شود.

آن خط مشی سیاسی و اشکال مبارزه که بتواند در شرایط امروز ایران کارایی و جاذبه داشته باشد، بدون بازبینی مسیر طی شده در مبارزات سیاسی تاریخ سده اخیر ایران و بدون درس آموزی از مبارزات بشریت ترقی خواه بویژه تجارب انبوه مربوط به تحولات سالهای اخیر ممکن نیست. دست یابی به چنین مقصودی نیز در گرو فعالیت تئوریک- پژوهشی سازمان یافته و تبادل نظر وسیع از طریق انتشار بولتن های ویژه و برگزاری

نشستهای و سمینارهای متعدد در همه سطوح حزب است. پلنوم فروردین ماه ۶۹ چنین مکانیزمهایی را پیش بینی کرده است. اما از آنجا که تاکنون امکان چنین تبادل نظر آزاد و فراگیری بوجود نیامده و اقلیتی در هیئت اجرائی همه امکانات مطبوعاتی حزب را در خدمت مقاصد گروهی خود قرار داده اند، ضرورت مبرم دارد که مکانیزمها و محملهای لازم در این زمینه هر چه سریعتر ایجاد گردد. مادر این ارتباط به نوبه خود کوشش خواهیم کرد.

۲- با فشاری اقلیتی در هیئت اجرائی بر ادامه شیوه های مردود حزب مداری و حفظ سیستم فرماندهی و تقض خشن مصوبات پلنوم و امتناع از مراجعه به اعضای حزب و پلنوم کمیته مرکزی، عملا مجموعه ساختار تشکیلاتی حزب را با بن بست روبرو ساخته است. ما تاکنون طی گزارشی متعدد به اعضای حزب در این باره توضیح کافی داده ایم.

در شرایط دشوار کنونی به اعتقاد ما ضرور است که علاوه بر نشستهای متعدد منطقه ای، گرد هم آیی وسیعی با شرکت اعضای کمیته مرکزی، کادرها و اعضای حزب در خارج از کشور به منظور خروج از بن بست موجود و تدارک نظری و سازمانی شایسته کنگره سوم حزب برگزار گردد. در این ارتباط ما هم رفقا را به تبادل نظر و هماهنگی در نشستهای منطقه ای و جستجوی راه کارهای مشخص جهت تدارک و تامین کارایی هر چه بیشتر چنین گرد هم آیی فرا می خوانیم. ما همچنین بار دیگر از سایر اعضای هیئت اجرائی می خواهیم که با شرکت در نشستهای نوبتی هیئت اجرائی و پایبندی به موازین حزبی، به اقدامات انشعابگرانه و غیر قانونی خود پایان دهند.

همانطور که در گزارش دومین کنگره سازمان در شماره ۱۹ نشریه کار آمده است، در بحث پیرامون خط مشی سیاسی سازمان، ۶ سند سیاسی به کنگره ارائه شده بود. از میان این سندها از سند مصوب کنگره که در همان شماره کار انتشار یافت، سند ارائه شده توسط رفیق جواهری از ۳۹ درصد رای موافق حاضرین کنگره برخوردار شد. این سند بنابه خواست رفیق جواهری در این شماره کار انتشار می یابد:

رئوس خط مشی سیاسی سازمان

بر خورد ما با رژیم جمهوری اسلامی بر پایه درک مفاهیم دموکراسی خواهد بود. بر این اساس ما با تکیه بر نیروی مردم و تمامی جنبش ترقی خواه سیاسی برای عقب نشاندن رژیم در برابر خواستهای آزادیخواهانه و عدالتجویانه مردم و تامین دموکراسی، تلاش می کنیم. سازمان از مشی پشتیبانی از رژیم و یا اتحاد با یکی از جناحهای آن پیروی نمی کند.

ما خواهان دموکراسی هستیم. خواست اصلی ما در برابر رژیم ج-ا پذیرش انتخابات آزاد و پذیرش رای آزادانه مردم و تعیین مجلس نمایندگان مردم در شرایط فعالیت آزادانه احزاب و جنبشهای سیاسی است. هدف خط مشی ما تحقق و استقرار دموکراسی در کشور از طریق انتخابات آزاد است.

ما بحثابه نیروی اپوزیسیون رژیم تمام کوشش

خود و دیگر نیروهای مردمی را متمرکز می کنیم که رژیم انتخابات آزاد را بپذیرد. ما تمامی فعالیت های خود را مسالمت آمیز سازمان می میم. ما در جهت تحقق اهداف و مطالبات خود از اعمال قهر و خشونت اجتناب می کنیم.

- تلاش برای تامین فعالیت قانونی و هلنی سازمان در کشور از اهم وظایف رهبری سازمان است. رهبری سازمان می تواند با رژیم برای تحقق مطالبات خود وارد مذاکره هلنی شود.

- ما ضمن آنکه با نظام های سلطنتی، جمهوری اسلامی، جمهوری دموکراتیک خلق مخالفیم و این نظام ها را بنابر آنچه که تاکنون بوده اند، مقایر با دموکراسی می دانیم ولی بیاس احترامی که به رای آزادانه مردم قائل هستیم با تمام نیروهای که در جهت تحقق و استقرار دموکراسی گام برمی دارند، مذاکره، حرکت مشترک و اتحاد در زمینه های گوناگون با این نیروها را می پذیریم. مبنای اتحاد وسیع نیروهای سیاسی کشور مخالفت با استبداد و دفاع از لزوم استقرار دموکراسی در کشور خواهد بود و بر این مبنای توان گسترده ترین اتحادها را با جریانات مختلف سیاسی سازمان داد. این اتحادها و همکاریها برابر حقوق بوده و هر سازمان مدافع و مبلغ برنامه و سیاست های خود خواهد بود.

رهبری سازمان می کوشد با تمام نیروهای سیاسی کشور رابطه برقرار کند. سازمان دیدار و گفتگوی علنی با تمام احزاب و شخصیت های سیاسی کشور را می پذیرد و در رابطه با هیچیک از آنها به مشی بایکوت و تحریم متوسل نمی شود. سوابق، نظرات و مواضع متفاوت آنها مانع برقراری مناسبات و یا همکاریها در راه تحقق مطالبات مشترک نخواهد بود. دفاع از حقوق بشر و وسیعترین هر صه همکاری با سایر نیروهای اپوزیسیون است.

جواهری

پاسخ تاریخ چیست؟

بهر روز خلق

طی چند ماه اخیر به انحاء مختلف دوران سلطنت پهلوی بویژه نقش محمدرضا شاه در برخی رسانه‌های همگانی بین المللی و مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است. کیهان (چاپ لندن) نیز از جمله این مطبوعات است که مرتباً مطالبی را در ارزیابی از دوره سلطنت پهلوی منتشر می‌سازد. این مطالب در برگزیده ارزیابی طیف‌های مختلف سلطنت طلب‌ها از نقش محمدرضا شاه و رضاشاه در تاریخ کشور ما است.

سلطنت طلبان افراطی نقش تاریخی بی‌نظیری را برای محمدرضا شاه قائل هستند. نمونه بارز آن نظر آقای حسین دانشور است، او در «مدح نامه» ای به مناسبت یازدهمین سالگرد درگذشت محمدرضا شاه، ضمن برشمردن فجایع جنگ‌های افغانستان، ایران و عراق، خلیج فارس و پیامدهای ناگوار این جنگ‌ها، می‌گوید: «همه‌ساکتان سرتاسر قلات ایران و پیرامون آن یقین کرده‌اند که «نقدان» در دناک یک رهبر، یک پادشاه، یک انسان والا که ناجوانمردانه در تلاتی ساده‌انگاری بی‌مسئولانه ملتش با توطن‌های استعمارگران قربانی شد باعث کلیدی و بنیادی این فاجعه عظیم گردیده است.» و اضافه می‌کند: «هرگز در تمامی تاریخ بشر قبیلت یک انسان از صحنه جهانی چنین سنگینی و نتیجه‌ای چنین سهمگین نداشته است» (کیهان لندن شماره ۳۶۳). صرف‌نظر از این نوع «مدیحه‌سرایی‌ها»، مسئله قضاوت عمومی سلطنت طلبها در مورد محمدرضا شاه است که در سرمقاله و مقالات اساسی کیهان (چاپ لندن) منعکس می‌شود. در همان شماره کیهان سرمقاله‌ای با عنوان «تاریخ پاسخ خویش را می‌یابد» درج شده است. تا حدود زیادی بازتاب دهنده نظر عمومی سلطنت طلب‌ها است. در این سرمقاله به تلاش شاه برای نوشتن کتاب «پاسخ به تاریخ» اشاره شده و نگرانی از قضاوت تاریخ بیان گردیده است. کیهان لندن ضمن توضیحاتی نتیجه می‌گیرد که تاریخ پاسخ خویش را در مورد محمدرضا شاه می‌یابد. دلیل اصلی نویسندگان مقاله در این دو پاراگراف آمده است: «در دهه‌های حکومت پهلوی

کشوری تقریباً از هیچ ساخته شد. دانشگاه پشت دانشگاه، بیمارستان پشت بیمارستان، شبکه‌های راه‌آهن، آب، برق، تلفن، خطوط هوایی و ... این برای کشوری که تا چند سال پیش از آن «لوله‌کشی» آب را مترادف با دروغ می‌دانستند، دستاورد عظیمی بود.» و «انقلاب اسلامی که به قدرت رسید چه کرد؟ پاسخ را در یک کلام می‌توان داد: تقریباً در یک چشم به هم زدن همه چیز را تبدیل به هیچ کرد. از ایران، این ملت سر بلند و خوشبخت، اکنون جز یک حکومت بی‌آبرو و بی‌اعتبار و مردمی سیه روز چه مانده است؟ ایرانی امروز جز به گذشته و تاریخ خویش به چه چیز می‌تواند ببالد و شادمان باشد؟» آنچه در این سرمقاله یکی از وجوه اصلی مبنای قضاوت قرار گرفته است، همانا پیامدهای حاکمیت رژیم قنقا و متاسیسه آن بادوره سلطنت پهلوی است. این برخورد نه مختص این مقاله، بلکه شیوه برخورد رایج در بین سلطنت‌ها و یکی از ابزارهای مهم تبلیغاتی آنهاست. ولی آنها هیچ وقت به این مسئله جواب نمی‌دهند چرا و وسیع‌ترین انتشار مردم‌پیا خاستند رژیم شاه را ساقط کردند؟ چرا رژیم جمهوری اسلامی مستقر شد؟ چه رابطه‌ای بین رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی وجود دارد؟

در حالیکه انقلاب اسلامی و رژیم برآمده از آن از بطن جامعه‌ای زائید شد که سلسله پهلوی ۵۷ سال بر آن حکومت رانده بود. سقوط رژیم شاه و انقلاب بعنن را نمی‌توان با سیاست «حقوق بشر» کارتر، «توطئه بیگانگان» و یا «فرتی مردم توسط روحانیت» توضیح داد. محرک انقلاب بعنن در جامعه ما منعکسه بود و نیروهای آن خیزش نیز، متعلق به کشور ما بودند. صرف‌نظر از قضاوت ما نسبت به انقلاب اسلامی، آنچه به یقین می‌توان گفت این انقلاب نه صادراتی، بلکه نتیجه مستقیم و بلاواسطه رشد تضادهای جامعه سرمایه‌داری ایران بود. در دهه ۴۵ و ۵۰ در کشور ما مناسبات سرمایه‌داری حاکم گردید. ولی مناسبات سرمایه‌داری از بالا به طرز بورکراتیک و همودی و با کمترین پایه اجتماعی رشد

تشکیل می‌داده است. اگر جامعه ما به آن چنان در جاتی از پیشرفت رسیده بود، چگونه نیروهایی در ابعاد وسیع حیات داشتند. این نیروها در همین کشور ما زیسته و جزو واقعیات میهن ما بوده‌اند. وجود همین نیروها گواه آشکاری است بر عقب‌ماندگی جامعه ما. نمیتوان بخش اعظم جامعه را به کنار نهاد و در مورد جامعه قضاوت درستی کرد.

تابیهیایی رژیم جمهوری اسلامی و تاریک اندیشی سردمداران آن برخلاف تصور سلطنت طلبان، بر حقانیت سلطنت پهلوی صحنه نمی‌گذارد و قضاوت مثبتی را بر نمی‌انگیزد. بلکه بر محکومیت رژیم صحنه می‌گذارد که با عملکرد خود زمینه را برای روی کار آمدن چنین نیروی فراهم ساخت.

نقد رویدادهای گذشته و تجربه اندوزی از آن امری است ضروری و مفید. ولی تغذیه صرف از گذشته، جریان‌های سیاسی رانه به نیروهای آینده ساز و بالنده بلکه به نیروی و وابستگرا تبدیل می‌کند. هم چنانکه سردمداران جمهوری اسلامی معیارها و ارزش‌هایشان نه به حال و آینده بلکه به گذشته تعلق دارد. معیارهای سلطنت طلبان در قضاوتشان نسبت به دوره سلطنت پهلوی از روندهای رو به انکشاف امروز سر چشمه نمی‌گیرد. امروز تحولات جهانی در راستای گسترش دمکراسی و حقوق بشر و طرد دیکتاتورها است. تاریخ چگونه می‌تواند قضاوت مثبت در مورد کسی داشته باشد که در طی حکومت خود حقوق بشر را بطور جدی نقض کرده، نیروهای مخالف را سرکوب نموده و عده زیادی از نیروهای مترقی را شکنجه و اعدام نموده است و دیکتاتوری فردی را بر کشور حاکم گردانیده است. سلطنت طلبان سال‌های سرکوب راه‌همد فراموش می‌کنند و یا سخنی از آن به میان نمی‌آورند. ولی مردم و بویژه نیروهای سیاسی این چنین فراموشکار نیستند. هنوز نسلی از نیروهای سیاسی کشور بویژه نیروهای چپ که در قزل قلعه، اوین و کمیته مشترک شکنجه شده و سالهای سال عمر گرانتدر خود را در کنج اسارتگاه‌ها بخاطر عقاید و مبارزاتشان گذرانده‌اند، زنده هستند و حافظه خود را از دست نداده‌اند. بی‌شک اگر حکومت استبدادی شاه تاکنون تداوم داشت، امروز جامعه جهانی قضاوت مثبتی نسبت به آن نمی‌توانست داشته باشد.

این مجموعه نشان می‌دهد که بین آن حکومتی که امروز بر جامعه ما حکم می‌راند با آن حکومتی که در طی ۵۷ سال بر کشور ما حکم رانده است، پیوند تنگاتنگی وجود دارد. این پیوندها را نمیتوان گسست. گرچه قضاوت در مورد دو رژیم نمیتواند یکسان باشد ولی نمیتوان بدون ارتباط آن دو با هم به داوری نشست.

در سرمقاله کیهان (چاپ لندن) از پیشرفت شکست انگیز جامعه ایران در دوره سلطنت پهلوی و از تباهی عظیم جامعه توسط نیروهای خمینی صحبت می‌شود و تمدن بزرگ به شاه و وحشت بزرگ به خمینی نسبت داده می‌شود. ولی آنان که این چنین از سطح رشد جامعه سخن می‌گویند فراموش می‌کنند نیروی برآمده از انقلاب بعنن در همین جامعه حیات داشته و نه بخش کوچک بلکه بخش عظیم آن را

نماید، شک برانگیز است و همین تلاش است که اینجا کم دیده می‌شود.

چند ساله اخیر را می‌توان دوره تولد دوباره چپ دانست. دلائل زیادی برای این ادعا وجود دارد که این زایمان به رهنم شرایط بسیار دشواری که در آن به سر می‌بریم، صورت گرفته است و چپ ایران می‌تواند هویت جدید خود را لااقل در آن حدی که به کلیات مربوط می‌شود - تبیین نماید، پایش را به زمین بند کند و با نگاهی تازه «چه باید کرد؟» را در دستور کارش قرار دهد. اگر همه چنین احساس و نظری داشتند، منطقاً می‌بایست شاهد تحرکی دوباره باشیم. اما متأسفانه چنین تحرکی را نمی‌بینیم. شاید حرکاتی که اخیراً در جهت یافتن زبان مشترک شروع شده، آغازی باشد بر دوره‌های جدید وای کاش ما این ظرفیت را می‌داشتیم تا پیش از آنکه از سر ناچاری، مجبور به پذیرش چیزی شویم، خود به استقبال آنچه که ضروری بود می‌رفتیم. در این صورت دیگر مجبور نبودیم با «شاید» و اینگونه واژه‌ها، بار و ندهایی که فی‌نفسه مثبت هستند مواجه شویم. باید امیدوار بود که آنچه می‌توانستیم بکنیم و نکردیم، فقط ناشی از دیدگاه دیروزممان بوده باشد.

این حرف‌های زیادی سر بسته از کار درآمد. روانش شاد باد آنکه فعل مجهول و کمالات کسدراری مثل «حرکت» و «جریان» و «رود» را اختراع کرد. اگر اینطور کلمات نمی‌بودند. کار بسیاری از میرز ابونیس‌ها از او بود و آدم نمیدانست که چطور باید دوپهلو حرف بزند، در فاصله‌ای که مشغول نوشتن این نامه بودم، پستی نشريات ولایت را آورد و بی‌انصافی بود اگر به نوشتن ادامه میدادم. همه را ورق زدم و از میان همه نامه‌های بچه‌ها، کودکان، نوجوانان و والدین به دل آقا اشکم را در آوردم: با سفره خالی، آخرین پس‌انداز ما در طبق اخلاص برای آن رند عیار می‌فرستند که به کودکان آواره مرا می‌برساند و همین به من جرئت می‌دهد تا به عنوان حرف آخر بگویم: در قرب خبری نیست. اگر خبری باشد هم در آنجا است

کنی، ما را به صورت تیمی خواهی دید که به قصد بازی وارد زمین شده است اما چون بر اوضاع مسلط نیست ترجیح می‌دهد توپ را در زمین خودش دست به دست کند. علی‌الغایه این وضع تا وقتی اوضاع سرو سامان دوباره بگیرد و بشود تمیز داد که در آنج تازه کی باکی و هلیه کیست، ادامه پیدا می‌کند و به همین خاطر است که می‌گوئیم حق به جانب کسانی است که ما را هنوز در حالت تعلیق می‌بینند.

اما این حق به جانب را تنها در عرصه سیاست می‌توان پذیرفت. تو بخوبی می‌دانی که در سال‌های اخیر مشکل عمده ما سیاست نبود بلکه چیزی بود که اینجا از آن تحت عنوان «هویت» اسم می‌برند. پیشتر خود را متعلق به «خانواده احزاب برادر» می‌دانستیم و هویتمان را با مارکسیسم - لنینیسم، انترناسیونالیزم پرولتری و مسائلی از این دست تعریف می‌کردیم و وقتی خود را در خارج یافتیم و فهمیدیم که با سیاست و برنامه شکوفایی چه رسوایی عظیمی به بار آورده‌ایم، شک به جانمان افتاد، اما نه تا آن حد که اصل و پایه‌ها را مورد پرسش قرار دهیم. مشاهدات اولیه گاه تحریکمان می‌کردند تا وارد منطقه ممنوعه شدیم، ولی برای آنکه اراده کافی در وجودمان جمع شود، زمان بیشتری لازم بود. طوفان شرق دیوارها را فروریخت و ما برای لحظاتی خود را لخت و مور احساس کردیم. این دوره سختی بود. دوره‌ای که در آن سوال «چه کنم؟» اهمیتش را از دست داد و «چه هستم؟» به مرکز صحنه آمد. آیا این دوره به پایان خود نزدیک شده است؟ خیلی از دوستان مشترکمان پاسخشان منتهی است. آنها هنوز خودشان و نیز دیگران را لخت و مور می‌بینند. نمی‌خواهم کسی را متهم کنم، اما می‌خواهم احساسم را باتو در میان بگذارم. نمی‌دانم این گفته از کیست که هر حقیقتی وقتی بیش از اندازه مورد تاکید قرار بگیرد به مهمل بدل می‌شود. من در این اصرار بر بی‌هویتی یک جور مهمل بانی می‌بینم. به گذشته تف کردن، اگر با تلاش برای آینده همراه



نامه به دوست

معاشر

می‌بینی که «ترمولندی» خیلی دیپلماتیک است: «کم و بیش»، «به مرور» و فعل مضارع و تازه همین را هم خیلی‌ها قبول ندارند و در حقیقت آنجا که به عالم سیاست بر می‌گردد. حق با آنهاست. وقتی اوضاع را در حال تعلیق ببینی و ندانی که صاحب دنیا کیست و فردای مملکت از چه قرار است هر اندازه هم که اهل شجاعت و جسارت باشی، فقط حاضر در زمین خودت بازی کنی. نیرو ساختن یعنی با تضادها بازی کردن و زمانی که تضادها را نمی‌شناسی، همان بهتر که وارد بازی نشوی شاید اگر جوان تر بودی از این حرف برآشفته می‌شدی. اما حالا که گرد پیری - ایضا کم و بیش و به مرور - بر سرمان می‌نشینند، می‌توانیم راحت تر در این باره گپ بزنیم. ما حلالدر صحنه سیاست هستیم و نیستیم. هستیم به این معنی که روزنامه‌های درمی‌آوریم، از آزادی، عدالت و غیره حرف می‌زنیم و به پروپای این و آن هم می‌پیچیم. و نیستیم به این اعتبار که وارد بازی با تضادهای تعیین کننده نمی‌شویم. به رفسنجانی همان اندازه بدو بیراه می‌گوئیم که فی‌المثل به اصفرزاده و خوئی‌ها و غیره. به اروپا و ژاپن خود ما با همان چشم نگاه می‌کنیم که به آمریکا. هر جاکه قراردادی امضا میشود پای تحلیل‌مان را لنگ می‌یابیم، مشتی فرو بلند چاشنی مطالب می‌کنیم و آخر الامر گریزی به صحرای ملی که بالا که بله آزادی و دمکراسی خوب است و منافع ملی را باید تامین کرد کلیات از این دست ... حالا وقتی تو در جایگاه تماشاچی به صحنه نگاه

پرواز اعتماد را بایکدیگر تجربه کنیم

ما نسبتاً به صورت ثنوی یک باقی ماندند. یعنی اینکه موفقیّت‌ها و پیشرفت‌ها همان چندان چشمگیر نبوده است. مناسب می‌باشد جهت اثبات این موضوع به فعالیت‌ها و نظریه‌ها بیافکنیم: باید پرسید در هر صحنه اتحادها چه نزدیکی عملی بین گروه‌ها و شخصیت‌ها بوجود آمده است؟ اقدامات عملی سازمان‌ها و شخصیت‌ها در خصوص جبهه چپ و جمهوری به کجا رسید؟ وضعیت جریانات سیاسی در هر صحنه تشکیلاتی چگونه است؟ اگر بخواهیم ده‌ها سوال دیگر می‌شود بر آنها افزود که من در این نوشته کوتاه چنین قصدی ندارم. خوب نتایج چه بوده است: پراکندگی و تفرقه در بین گروه‌های سیاسی همچنان ادامه دارد و در این مدت جز حرف، حرف و باز هم حرف به نتیجه مشخصی دست نیافتیم. به نظر من حرفی که پشتوانه عملی به همراه نداشته باشد خود را به سمت خود نخواهد کشید. در هر صحنه جبهه جمهوری و چپ موفقیّت‌ها و پیشرفت‌ها بسیار کم بوده است. در زمینه تشکیلاتی هرج و مرج در روابط و فعالیت‌ها به شدت وجود دارد و بقول از دمکراسی این رایاد گرفته‌ایم که هر سازی دل‌مان بخواهد در یک تشکیلات برنیم و تره بر هیچ جمع حقوقی هم خرد نکنیم. حتی قوانین و ضوابطی که خود در یک کنگره و یا جمع بزرگتر به آن رای داده‌ایم را بدون هیچ بحث و منطقی بر ارضی نقض می‌کنیم.

در هر صحنه فعالیت‌های فرهنگی نیز وضع بهتر از شرایط بالا نمی‌باشد هر چند که امروزه بازگشت به گذشته فرهنگی ایران تا حدودی باب شده است (البته اگر قصد از مراجعه به گذشته آموختن باشد مثبت است!) و برای اینکه از قافله روزگار عقب نمانیم سعی داریم به شکل جمعی و فردی فعالیت‌ها را پیش ببریم و از طرفی چون هم‌اکنون شیوه‌ها و روابط گذشته دست برداشته‌ایم موفقیت‌ها همان نیز چندان قابل عرضه نمی‌باشند. امروز هم هنوز بخش بزرگی از روشنفکران ما، تلقی و نظرشان را بجای واقعیات قرار می‌دهند و با گذاشتن یکسری محدودیت‌ها جلوی فعالیت‌های آغاز شده را به نحوی سد میکنند. متأسفانه با معیار "یا این یا آن" به دنیا می‌نگرند و چون به همه چیز فرهنگ، هنر، ورزش و تاریخ... با عینک سیاسی نگاه می‌کنند بالطبع مجبور هستند برای دفاع از ارزش‌های سیاسی‌شان به شایعه‌پراکنی و تحریم و اتهام نیز متوسل شوند و با توجه به دید تفوق نگر می‌کنند که مثلاً یک هنرمند یا مبلغ رژیم است یا ضد آن، هنرمند یا خلقی است یا ضد خلقی، هنرمند یا پیام آورنده قدرت حاکمه است یا پیام دهنده به توده‌ها خلاصه اینکه به خودشان اجازه می‌دهند تعیین کنند چه کسانی کجا و چگونه و با کی می‌بایست فعالیت و کار کنند و یا بر عکس. و بدین طریق بزرگترین ضربه‌ها را در فعالیت‌های می‌زنند. امروز ما در شرایطی بسر می‌بریم که اپوزیسیون هنوز پراکنده می‌باشد و در مقابل جمهوری اسلامی روز بروز به سمت یک استبداد فردی مطلق پیش می‌رود. اگر واقعا از گذشته پند گرفته بودیم می‌بایست تاکنون جبهه‌ای گسترده از نیروهای چپ و جمهوری خواه بوجود آمده باشد. به نظر من هنوز دیر نشده و امکان اتحاد عملی گسترده بین نیروهای اپوزیسیون وجود دارد. چنانچه امروز با هم همکاری و اتحاد نداشته باشیم چه بسا فردا بسیار دیر باشد! حداقل اگر به گذشته دور مراجعه نکنیم، تجربه ده، دوازده ساله اخیر نشان می‌دهد که پراکندگی بین ما جز تثبیت حکومت استبدادی و دیکتاتوری جمهوری اسلامی هایدی دیگر برای مردم و نیروهای مخالف رژیم نداشته است. کمی به خود آیم!

پرواز اعتماد را بایکدیگر تجربه کنیم

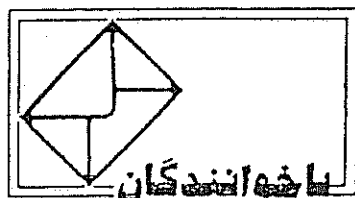
وگرنه می‌شکنیم بال‌های دوستی‌مان را

۱۷ ژوئیه ۱۹۹۱ پژمان

"بدا به حال واقعیات اگر که باتئوری‌های من ناسازگار باشد!" (هگل)

مدتی است که در خصوص مقوله دمکراسی بین گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و هنری مسائلی در جریان است و بالطبع هر کدام از آنها به طرق گوناگون سعی دارند درک و تلقی خود از دمکراسی را در بین خلق ارائه دهند. دمکراسی مقوله جدیدی نمی‌باشد، بلکه در گذشته در جامعه و در میان ادبیات احزاب سیاسی به عنوان موضوعی فرهنگی تلقی می‌شده است. در این چند سال اخیر بنا به دلایلی این مقوله مشخصاً در بین ما مطرح شده است و شاید تکرار مکرر آن بخاطر باب شدنش در نزد بسیاری از ما می‌باشد. متأسفانه به این مقوله باز از زاویه تنگ گروهی و فردی توجه می‌گردد. زندگی با تمام شکست‌ها و پیروزی‌هایش به صورت آئینه‌ای شفاف در مقابل ما قرار دارد که می‌بایست دقیقاً به تجربیات آن توجه شود. زیرا آنجایی که نمی‌توانند گذشته را بیاد آورند محکوم به این می‌باشند که آن را دوباره تکرار کنند. بلی! اما با جملات زیبا و آتشین و اعلان صداها بار که از دیگران شایسته‌تر و برحق‌تر هستیم و یا اینکه حقیقت مطلق در دست ماست ره به جایی نخواهیم برد. باید با فروتنی توضیح دهیم که اختلاف بین احزاب سیاسی نه از طریق مجادله و حذف یکی یا دیگری بلکه از طریق بحث، مباحثه، فهم و روابط متمدنانه می‌بایست حل گردد. امروزه می‌بایست توجه داشت که چرا این موضوع به صورت جهانی مطرح گردید؟ دلایل به شکل‌های گوناگون ابراز گشته است و همه در این نکته مشترکند که تحولات رومی داده در اردوی کشورهای سوسیالیستی مخصوص در شوروی و نیز تا حدودی کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، باعث گردیده که این مقوله به صورت مشخص در بین تمام احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های جهانی دوباره مورد ارزیابی قرار گیرد. و بالطبع هر جریان و یا هر فردی با توجه به نزدیکی‌های فکری، نظری، ... یکسری تجدید نظر در دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت ۱۸۰ درجه‌ای، ۹۰ درجه‌ای، ۴۵ درجه‌ای و یا شاید کمتر انجام داد. اگر کلاً به این مجموعه تغییرات توجه شود می‌توان آن را اهمیت ارزیابی کرد.

خب فرض از این مقدمه چینی چه می‌باشد؟ باید گفته شود که از تحولات رومی داده در جهان بسیار آموختیم و اگر بخواهیم کمی مشخص‌تر موضوع را در نظر داشته باشیم باید بگوییم که یاد گرفتن به صورت کورکورانه بدینال مرکزیت هیچ سازمان، حزب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی راه نیستیم. و نیز بر این اعتقاد شدیم که مخالفین فکری و سیاسی در جامعه و یا در جریانات سیاسی، با هم دارای حقوق برابر می‌باشند و تأکید کردیم که دمکراسی در جامعه و احزاب سیاسی می‌بایست به صورت نهادی شود. بحث و مباحثه را کلاً قبول کردیم و بر این باور شدیم که به فرهنگ ملی کشورمان بیشتر توجه داشته باشیم. خلاصه ده‌ها تجربه ریز و درشت دیگر نیز آموختیم. چون در خصوص این نام‌وخته‌هایی تجربه بودیم. نسجیده تغییرات فوق را در مبارزاتمان بدون هیچگونه لحاظ‌های وارد کردیم. از طرفی در این راه بدلیل قشری‌گری و خود محور بینی و خود بزرگ بینی جریانات و شخصیت‌های سیاسی فرهنگی موفق نشدیم. زیرا روشنفکران و سیاسیون ما از راست گرفته تا چپ در یک جامعه بسته و عقب افتاده از لحاظ سیاسی رشد کرده‌اند که در آن هیچ نوع ارزش و احترامی برای تفکر انسانی وجود نداشته و در آن، راه بر هر نوع بالندگی، شکوفایی ذهن و جدال سالم اندیشه‌ها بسته بوده است. در نتیجه در درون چنین محیطی انسان‌هایی تربیت می‌شوند بیگانه از هر نوع منش و تربیت دمکراتیک هیچ حق و حقوقی برای دیگران قائل نیستند. هر چند که به ظاهر خلاف این را ادعا داشته باشند. این روش تفکر متأسفانه هم اکنون نیز وجود دارد. پس آموخته‌های



باخوانندگان

دو شهید دیگر از قربانیان اعدام‌های سال ۶۷

در نامه دیگری یکی دیگر از خوانندگان کار اطلاع داده است که نام رفیق شهید علی دانشپور نیز در لیست شهدای فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ قید نشده است. این رفیق در تاریخ ۲۲ مهرماه ۶۷ توسط رژیم حاکم اسلامی به شهادت رسیده است. یادش گرامی باد

* نشریه کار از کلیه هم میهنانی که اطلاعاتی در مورد شهدای فاجعه ملی سال ۶۷ دارند در خواست میکند، اطلاعات خود را برای تکمیل لیست و مشخصات قربانیان این فاجعه عظیم در اختیار نشریه قرار دهند.

۲ شهید دیگر از قربانیان اعدام‌های سال ۶۷ چندی پیش مادر یکی از شهدا که برای دیدار فرزند پناهنده‌اش به خارج از کشور مسافرت کرده بود، عکس یکی از شهدا را در اختیار من قرار داد که نامش در لیست قربانیان فاجعه کشتار جمعی زندانیان سیاسی نبود. این شهید فرهاد محسن پور از فعالین سازمان راه کارگر بود که در سال ۱۳۶۵ به اسارت درآمد و در جریان اعدام‌های دسته جمعی در سال ۶۷ همراه با سایر هم‌زمانش به جوخه آتش مستبدان حاکم بر ایران سپرده شد. یادش گرامی باد یکی از خوانندگان کار

این شکل که من دارم می‌خواه، که را مانم؟ یک لحظه پری شکلم، یک لحظه پری خواتم "مولانا"

بررسی و تحلیل و نتیجه‌گیری از حوادث بویژه چند ماه اخیر فرصت دیگری می‌طلبد و قلمی توانا تر، آدمی که در موقع تحلیل احساساتی نشود و به مسائل برخورد منطقی داشته باشد، ولی مگر میشود بدون احساس هم زندگی کرد. مگر میشود در ندی‌ها و بالانس زدن‌ها را دید و دم بر نیآورد. مگر میشود آدم‌هایی را دید که تا دیروز (تاریخی) مجیز حکومت کشور شوراها را می‌گفتند و از مواجبات آن (به هر حال و بنوعی) استفاده می‌کردند امروز زنده‌باد یلتسین بگویند و از سرنگونی مجسمه‌های لنین بچند شوق بر لب می‌آوردند، احساساتی نشد. یعنی ایان آنقدر ساده اندیشند که نمی‌دانند آدمی مثل یلتسین چهار نعل به کدام سو می‌تازد، آثانی که این روزها زیاد فریاد می‌زنند "دوران، دوران یلتسین است" یادشان باشد که روزگاری هم فریاد بر می‌آوردند "زنده باد استالین". این زنده باد و مرده‌باد گویان مصلحتی جایی در تاریخ بشریت نخواهند داشت. ایان کاری ندارند جز اینکه استخوان لای زخم بگذارند و گویا برای همین هم زاده شده‌اند.

سخن آخر اینکه بوش، میجر، کهل و میتران هم فریاد می‌زنند دوران، دوران یلتسین است. و همین‌ها هستند که هر که را که لب به اعتراض بگشاید کمونیست ارتودوکس می‌نامند. بهتر نیست آثانی که با این آقایان هم صدامستند و شعارهای آنان را طوطی وار تکرار می‌کنند موضع خود را روشن کنند و جبهه خود را مشخص. گو اینکه خیلی از ایان معتقدند دیگر جبهه‌ای وجود ندارد. چون دوران مبارزه طبقاتی بسر آمده، ایان منتظر فرصتی هستند که به زیر چتر "نظم نوین جهانی" ساخته دست آقای بوش و همپالگی‌هایش بخزند و نفسی تازه کنند.

کلن - ۱۹/۹/۹۱

توضیح: انگیزه نگارش این مطلب، نوشته‌ایست از آقای فریدون تنکابنی تحت عنوان "کلوخ انداز را پاداش سنگ است" که در شماره ۱۴ نشریه "راه آزادی" چاپ شده است.

ا. کاشفیان

"کنفدراسیون جهانی" و "جبهه متحد اپوزیسیون مترقی"

جهانی" از زوایای گوناگون از ملزومات جنبش سیاسی میهن ماست. با اینکار علاوه بر روشن نمودن سمت و سو و هدف مبارزه کنونی در خارج از کشور میتوان به آرزوی دیرینه جنبش سیاسی کشور مایعنی "جبهه متحد اپوزیسیون مترقی" نیز از این زاویه پاسخ روشنی داد. بنظر نگارنده، تجربه "کنفدراسیون جهانی" از گرانباترین و شاید بهترین آنها در جنبش سیاسی میهن ماست که خصوصیات بسیار نزدیکی را به جبهه مورد نظر ما کسب کرده بود. واقعیت این است که در آن زمان اکثر نیروهای سیاسی با حفظ استقلال سازمانی خود در این سازمان گرد آمده بودند و در کنار یکدیگر و با وجود اختلافات بسیار حاد و شدید رزم خود را بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه به پیش می‌بردند. واقعیت دیگر هم این است که "کنفدراسیون جهانی"

متأسفانه، با وجود اینکه چندین سال است که رهبری سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی و کلا اپوزیسیون مترقی بنا به شرایط مختلفان و دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور اقامت گزیده‌اند ولی تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون هیچکدام از آنها چه ناآگاهانه و چه مصلحت‌گرایانه به یک جمع بندی از چگونگی و تجارب مبارزه در خارج از کشور به صورت تاریخی در زمان رژیم شاه ننشسته‌اند اگر هم ننشسته‌اند، تاکنون نتایج این بررسی خود از این مبارزات و بزرگترین سازمان "دموکراتیک" سازمانده این مبارزات یعنی "کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور" انتشار نیافته است. بررسی و جمع بندی از تاریخچه "کنفدراسیون

بزرگترین سازمان متشکل مهاجرین یک کشور در کشورهای خارجی در سراسر دنیا بود که واحدهای سازمانی خود را در کشورهای همسایه بر پا کرده بود و زیر "رهبری واحد" امور خود را به پیش برده و کنگره‌های کشوری جداگانه و همچنین کنگره سراسری "کنفدراسیون جهانی" را هر ساله برگزار می‌نمود و بزرگترین کمسیون‌های انشاگرانه و تبلیغاتی خود را بر علیه رژیم شاه در خارج از کشور سازمان می‌داد.

اما اینکه چرا امروز سازمان‌های سیاسی حاضر به برخورد به "کنفدراسیون جهانی" و جمع بندی مشخص از آن نیستند طبیعتاً دارای دلائل مختلفی است. از بی توجهی و سهل انگاری گرفته تا برخوردی آگاهانه و شاید حساب‌گری و مصلحت‌گرایی. به هر جهت چه امروز و چه فردا اپوزیسیون مترقی ایران بایستی و ناچار است از کنفدراسیون جمع بندی روشنی را بر روی تمامی نقاط و ضعف آن ارائه

یوسف آمریکا ۱۳ اوت ۱۹۹۱

فیصل حسینی:

کنفرانس مادرید برای مایک موفقیت است

هفته گذشته کنفرانس صلح خاور میانه در مادرید گشایش یافت. حنان اشراوی، استاد ۴۴ ساله دانشگاه بیرزید در کرانه اشغالی غربی رود اردن، و فیصل حسینی، معروف ترین شخصیت فلسطینی ساکن مناطق اشغالی، با اینکه خود عضو هیات مشترک فلسطینی-اردنی شرکت کننده در کنفرانس مادرید نبودند، به عنوان مشاوران و سخنگویان هیات، در مادرید حضور داشتند. هفته نامه آلمانی اسپیکل با این دو شخصیت فلسطینی مصاحبه کرده است.



اشپیکل: شامیر نخست وزیر اسرائیل، کماکان اصل "زمین به ازای صلح" را رد می کند. آیا بدین ترتیب، کنفرانس مادرید قبل از آنکه برآستی شروع شود، شکست خورده است؟

حسینی: کنفرانس، در هر حال موفقیتی برای ما فلسطینی هاست، زیرا اکنون سراسر جهان، از جمله اسرائیل، برای نخستین بار ما را به عنوان خلقی دارای هویت مستقل و حقوق ملی، به رسمیت می شناسد. مادرید، یک نقطه عطف است. راه بازگشت، مسدود شده است. اشپیکل: آیا واقعا گمان می کنید اسرائیل از ادعای خود بر کرانه غربی رود اردن و نوار غزه چشمپوشی خواهد کرد؟

اشراوی: متأسفانه شامیر سرسختی خود را حفظ کرده است. اما دیگر موضع او در اسرائیل با نظر مردم عادی انطباق ندارد. شامیر با جعل تاریخ و واقعیات، ره به جایی نخواهد برد. صلح طلبی همه شرکت کنندگان در کنفرانس و شمار فزاینده ای از مردم اسرائیل، نیرومندتر خواهد بود.

اشپیکل: آیا شما انتظار فشار باز هم بیشتر آمریکا بر دولت شامیر را دارید؟

اشراوی: اگر دولت آمریکا از اصل "زمین به ازای صلح" که مورد تاکید سازمان ملل است جانبداری کند...

حسینی: ... و از قطعنامه ۲۴۲ تفسیری مانند برداشت ما داشته باشد...

اشراوی: ... این، نه اعمال

نشار غیر مجاز و نه دخالت در امور داخلی یک کشور دیگر است. روح تازه ای که در سال های اخیر جهان را در بر گرفته است دیگر اجازه نمی دهد که ملت های دیگر را کماکان سرکوب کنند. تدریجاً اسرائیل هم این را دریافته اند. اما آنان تا آنجایی که بتوانند مقاومت می کنند و از نتیجه گیری هایی که مدتهاست زمانش فرا رسیده است سرباز می زنند. آنها نمی خواهند بارویای "اسرائیل بزرگ" وداع کنند.

اشپیکل: چه کسی می تواند جلوی اسرائیل را در ساختن شهرک های جدید یهودی نشین در مناطق اشغالی بگیرد؟

حسینی: عقل سلیم سیاسی. بعد از مادرید، هر کس که وانمود کند میتواند با همه جهان مخالفت ورزد، بهای سنگینی خواهد پرداخت و دچار انزوا خواهد شد. اشپیکل: یعنی فلسطینی ها بدون پافشاری بر توقف قبلی ساختمان شهرک های جدید مذاکره می کنند...

اشراوی: ... زیرا ما نمی خواهیم روند صلح را که آغاز شده است با گذاشتن پیش شرط متوقف کنیم. این راه ماثبه ضعف تعبیر نکنید.

اشپیکل: آیا فلسطینی ها ادعا می کنند که شهرک های یهودی نشین را در چارچوب یک راه حل صلح خواهند پذیرفت؟

حسینی: به عنوان دژهای اسرائیلی و خنجر در پیکرمان، هرگز. طبیعی است که راه حل مطلوب ما تخلیه این شهرک های ضد صلح خواهد بود.

اشپیکل: آیا شما کماکان خواهان احیای مرزهای قبل از ۱۹۶۷ هستید؟

اشراوی: این، تنها خواست سازمان ملل نیست. ایالات متحده که به عقب نشینی ارضی تن دهد. اشپیکل: بازگشت به مرزهای قبلی را هیچ دولت اسرائیل نخواهد پذیرفت زیرا بسیاری از اسرائیلی ها مرزهای ۱۹۶۷ را به لحاظ استراتژیک خطرناک می دانند.

حسینی: آنها از این استدلال ساختگی "امنیت" در مورد پس دادن بلندیهای جولان به سوریه نیز استفاده میکنند. اما در همین حال اسرائیل در پی انعقاد قرارداد صلح با اعراب است. هر کس حتی پس از قرارداد صلح نیز به اعراب اعتماد نداشته باشد، نمی تواند واقعا هدف دست یافتن به صلح از طریق مذاکره را دنبال کند.

اشراوی: این تنها اسرائیلی های مرتجع اند که امیدوارند از اعراب تاییدیه ای برای ادامه اشغالگری خود بگیرند. اما خوشبختانه اسرائیلی های دیگری نیز وجود دارند که انعطاف پذیرترند.

اشپیکل: به نظر می رسد قبل از دولت فلسطینی، خود مختاری فلسطینی ها تحت خواهی داشتند. حسینی: ما از خود مختاری اگر واقعی باشد تکرار مانورهای فریب کارانه سابق نباشد، استقبال می کنیم.

اشراوی: ما قریب این طرفدار نخواهیم خورد که به ما نوهی

خود مختاری تحمیل کنند که فقط مردم را در برگیرد و نه منطقه ای را که این مردم در آن ساکن اند. اشپیکل: آیا یک خود مختاری محدود، گام اولی برای بهبود آشکار وضع هموطنان شما خواهد بود؟

حسینی: ما که یک اقلیت در یک سرزمین بیگانه نیستیم. ما مهاجرانی نیستیم که خواهان موقعیت ویژه باشند. ما فلسطینی ها این آزادی را می خواهیم که سر نوشت خود و سر نوشت سرزمینی را که در آن پدران ما می زیستند، تعیین کنیم. اشپیکل: باز نظر شما در چه شرایط مذاکره با اسرائیل دیگر بی فایده خواهد بود.

اشراوی: ما هیچ تابویی نداریم. ما، صرف نظر از آنچه از اسرائیلی ها طلب می کنیم، ابایی نداریم از اینکه با آنها درباره همه چیز سخن بگوییم.

اشپیکل: چرا فلسطینی ها دیگر بر خواست دولت مستقل پافشاری نمی کنند؟ آیا این فقط یک تاکتیک در مذاکره است؟

حسینی: ما بدلیل بسیار، کنفدراسیون با اردن را بهترین الگو برای آینده می دانیم. پیوندهای خانوادگی، درهم آمیختگی اقتصادی و جغرافیا، این را حاکم میکند.

اشپیکل: اردن همین امروز کشوری است که بیشترین تعداد اهالی فلسطینی را دارد. بسیاری از اسرائیلی ها، به ویژه در سمت راست طیف سیاسی، اردن را هم اکنون وطن

واقعی فلسطینی های ما می دانند. حسینی: ملت ما می توانند حسن همجواری داشته باشند بدون اینکه از هویت ملی خود دست بکشند. با همه متناقض بودن موضع اسرائیل در رابطه با حق موجودیت خلق ما، اکنون مثلاً دولت اسرائیل در مادرید با نمایندگان مردم فلسطین مذاکره می کند، هر چند در چارچوب کلی یک هیات اردنی-فلسطینی.

اشپیکل: برای شما مبرم ترین موضوعات در مذاکرات دو جانبه با اسرائیل کدامند؟

اشراوی: باید فهرست کاملی از اولویت ها رسیدگی شود. ما بدون پیش شرط به مذاکرات می رویم. اما باید بدانید که از آغاز خواهیم کوشید شهرک های یهودی نشین در مناطق اشغالی متوقف شود. متوقف کردن سیر مهاجرت به مناطق اشغالی که به ضرر ماست، نشانه واقعی آمادگی اسرائیل برای صلح خواهد بود.

اشپیکل: آیا شما موضوع حساس بیت المقدس را نیز به میان خواهید کشید؟

حسینی: بیت المقدس مسئله ای نیست که لازم باشد در دور اول مورد مذاکره قرار گیرد...

اشراوی: ... آمریکایی ها که شرق غربی بیت المقدس را به هیچ وجه بخشی از اسرائیل نمی دانند، طبق ضرب المثل "گاو را نباید از شاخش گرفت" عمل می کنند...

اشپیکل: ... اما اگر فلسطینی ها بر تقسیم دوباره این شهر پافشاری کنند، هرگونه راه صلح از طریق مذاکره شکست خواهد خورد.

حسینی: اکنون این مسئله هنوز در دستور بحث نیست. چه کسی میگوید که ما بر تقسیم بیت المقدس پافشاری میکنیم؟ تصور من از یک راه حل دائمی، یک بیت المقدس یکپارچه است که در همین حال، پایتخت اسرائیل و پایتخت فلسطینی ها باشد. بدون سیم خاردار و نیروهای اشغالگر. آرزوی من، یک شهر باز بمثابه سمبل صلح است.

اشپیکل: در مادرید سوری ها، اردنی ها، لبنانی ها، و مصری ها رسماً از خواهشهای فلسطینی ها حمایت میکنند. آیا با این حال نگران این نیستید که اسرائیل بتواند سوریه یا لبنان را از این جبهه واحد بیرون بکشد؟

حسینی: این به کلی غیر محتمل است. ما مطمئنیم که سوری ها بلندپایه جولان را از طریق صلح جداگانه با اسرائیل بر ضد ما پس نخواهد گرفت. لبنانی ها نیز در مذاکرات خود، راه جداگانه ای در پیش نخواهند گرفت. در مورد اردن و مصر نیز این امر صادق است.

اشپیکل: آیا تروریسم مخالفان رادیکال مذاکرات در اردن و عراق، از جمله در میان فلسطینی ها، نمی تواند همه تلاش های صلح را مانند حباب صابون بترکاند؟

اشراوی: در میان اسرائیلی ها نیز آتشی که به صلح "نه" میگویند وجود دارند. مخالفت، بخشی از دموکراسی است. اما ما با تروریسم مخالفیم.

دیدار سران چین و ویتنام

روز سه شنبه پنجم نوامبر، چین و ویتنام در دیدار سران دو کشور، روابط خود را که بیش از یک دهه متشنج بود، عادی کردند. به گزارش خبرگزاری چین نو رهبران دو کشور همسایه اعلام کردند مذاکرات فیما بین "عادی سازی مناسبات چین و ویتنام را رتم می زند". در اجلاس سران دو کشور که در "تالار بزرگ خلق" در پکن برگزار شد، جیانگ زه مین رهبر حزب کمونیست ولی پنگ نخست وزیر چین از یک سو و دو موئی رهبر حزب کمونیست و وان کیت نخست وزیر ویتنام از سوی دیگر شرکت داشتند. این، نخستین دیدار رسمی سران دو کشور از هنگام تیرگی شدید روابط در دهه ۷۰ و جنگ مرزی ۱۹۷۹ بود. در این جنگ

علیرغم کوتاه بودن آن شمار زیادی کشته شدند. پکن و هانوی طی ماههای گذشته همزمان با حل بحران کامبوج به هم نزدیک شدند. قرار داد صلح کامبوج که در پاریس منعقد شد، بدون توافق های چین و ویتنام نمی توانست تحقق یابد. این قرار داد به نوبه خود به بهبود چشمگیر مناسبات میان چین و ویتنام انجامید.

جیانگ زه مین رهبر حزب کمونیست چین به میهمانان ویتنامی گفت: "این امر دارای اهمیت زیادی است که ما بدینال یک دوره پیچیدگی ها در روابط دو جانبه، امروز در اینجا مذاکراتی در سطح عالی داریم. این، دیداری است که با آن، گذشته پایان و آینده گشایش

می یابد." جیانگ زه مین به کمک های گذشته چین به ویتنام و "دوستی عمیق در مبارزه انقلابی طولانی" اشاره کرد.

دو طرف در صدد طی دیدار سران دو کشور قرار همکاری اقتصادی نزدیک تری را بگذارند. قرار است موافقت نامه هایی در باره گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی و نیز احیای راههای ارتباطی فیما بین به امضا رسد. قبل از اجلاس سران دو کشور، تجارت مرزی چین و ویتنام با آهنگ سریعی رشد یافته است. خط آهن میان چین و ویتنام که در سال ۱۹۷۹ در جریان جنگ مرزی تخریب شد، اکنون در دست تعمیر است.

زامبیا: شکست کنت کائوندا در انتخابات

بقیه از صحنه آخر

گرفت. اقتصاد که بخش های عمده آن دولتی شده بود، به بحرانی مزمن دچار شد.

فردریک چیلوبا در نخستین سخنرانی اش پس از انتخاب به مقام ریاست جمهوری زامبیا گفت: "زامبیا یک الگوست. آنچه ما در اینجا انجام دادیم، باید تاثیر زیادی بر سایر کشورهای آفریقایی بگذارد. امروز در آفریقا عصر دیکتاتورها، ریا و افسانه سربازی به پایان رسیده است.

دولت جدید زامبیا که از اکثریت پارلمانی نمایندگان "جنبش برای دموکراسی چند حزبی" (ام. ام. دی.)، بر خوردار است، با دشواری های جدی روبرو خواهد بود. مردم که با دادن رای منفی به حزب حاکم پیشین، قبل از هر چیز نارضایتی خود را از وضعیت اقتصادی زامبیا

بزرگترین خطای کائوندا، روی آوردن هرچه بیشتر به شیوه های سرکوبگرانه پس از رسیدن به قدرت بود. در زامبیای مستقل، نشریات مستقل ممنوع شدند. در سال ۱۹۷۲ حزب حاکم تنها سازمان سیاسی مجاز کشور اعلام شد. حزب به تدریج از جنبش استقلال طلبی به نردبان ترقی فرصت طلبان و کسانی تبدیل شد که بیش از پیش از مقام و قدرت خود برای ثروتمند شدن سو استفاده میکردند. راه سوم میان سرمایه داری و سوسیالیسم که کائوندا سالها مبلغ آن بود، در زامبیا نیز مانند سایر کشورهای شکست خورد. به جای یک جامعه عادلانه، طبقه حاکم جدیدی شکل

مادرید:

پایان دور نخست مذاکرات

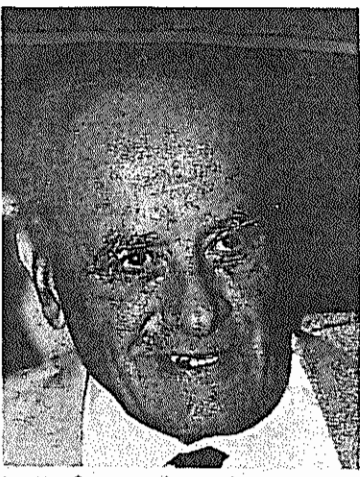
کنفرانس صلح خاورمیانه در مادرید که با حضور جرج بوش و میخائیل گارباچف روسای جمهور آمریکا و شوری و هیات های نمایندگی اسرائیل و اعراب گشایش یافت، به دور نخست مذاکرات خود پایان داد. برای نخستین بار پس از متجاوز از ۴۰ سال، روز یکشنبه ۱۲ آبان اسرائیل و فلسطینی ها مستقیما به مذاکره پرداختند. هیات های نمایندگی سوریه و لبنان نیز با نمایندگان اسرائیل مذاکره کردند. در حالی که هیات مشترک اردنی- فلسطینی با اسرائیلی ها توافق کرد که مذاکرات از گفتگو پیرامون خود مختاری برای ساکنان مناطق اشغالی آغاز شود، دور نخست مذاکرات اسرائیل و سوریه نتیجه ای بدنبال نداشت و از سوی شرکت کنندگان در آن، بعنوان گفتگو در فضایی سرد توصیف شد. سوریه و اسرائیل در مورد محل ادامه گفتگوها اختلاف دارند. در حالی که اسرائیل می خواهد با انتقال مذاکرات به منطقه، پذیرش ضمنی موجودیت خود را از سوی اعراب را به کرسی بنشاند، اعراب مایلند فعلا گفتگوها در خارج از منطقه خاورمیانه ادامه یابد. هنوز مکان ادامه گفتگوها مشخص نشده است اما احتمال دارد طرفین بدهوت آمریکا گفتگوهای خود را در واشنگتن ادامه دهند.

در آغاز گفتگوهای اسرائیل و هیات اردنی- فلسطینی، الیاکیم روبن اشتاین نماینده اسرائیل و حیدر عبدالشافی رئیس هیات فلسطینی ها دست دادند. در جلسه افتتاحیه کنفرانس، نمایندگان اعراب و اسرائیل با یکدیگر دست نداده بودند. منابع نزدیک به سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در تونس گفتند فلسطینی ها در مذاکرات یک دوره پنج ساله گذار را برای تحقق استقلال فلسطینی می پذیرند.

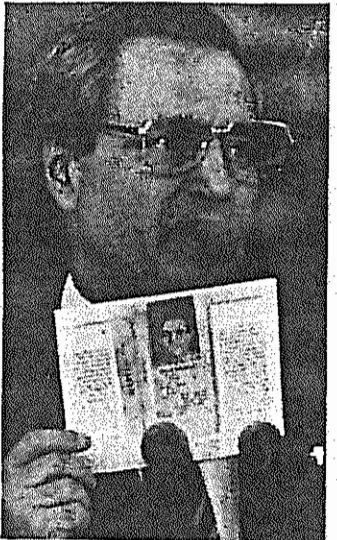
دور افتتاحیه کنفرانس که با حضور نمایندگان همه طرفهای شرکت کننده برگزار شد، ملنی بود. سخنرانی های سیاستمداران در این دور، بیشتر متوجه افکار عمومی بود تا طرف مقابل. جرج بوش در نطق خود گفت صلح بدون "عقب نشینی های ارضی" امکان پذیر نیست، بدون اینکه مشخص کند کدام طرف و تا چه حد باید دست به این عقب نشینی ها بزند. اسحاق شامیر در سخنان تحریک آمیزش، به شدت به سوریه حمله کرد و بالحنی که در عرف دیپلماتیک بی سابقه بود، حکومت سوریه را "یکی از مستبدترین رژیم های جهان" و "خانه تروریسم" خواند. بدنبال این اظهارات شامیر، فاروق الشرع وزیر خارجه و رئیس هیات نمایندگی سوریه در نطق خود فتوکپی اعلامیه ای را نشان داد که به موجب آن

اسحاق شامیر در دهه ۱۹۳۰ به جرم عضویت در گروه های تروریستی و قتل نفس تحت تعقیب مقامات انگلیسی در فلسطین بوده است. نمایندگان اعراب و اسرائیل در صدها مصاحبه، اظهاریه و بیانیه کوشیدند از حضور بیش از ۵ هزار خبرنگار در مادرید برای تبلیغ مواضع خود استفاده کنند. ناظران، روزهای نخست کنفرانس مادرید را "مبارزه بر سر تصرف قلب ها و مغزهای جهان" نامیدند. به عقیده اکثر خبرنگاران، در این هرصه موفق ترین هیات، هیات فلسطینی بود که توانست با برخورد ها و مواضع سازنده، تا حد زیادی تبلیغات دیرینه اسرائیل را مینی بر اینکه "فلسطینی ها تروریست اند"، خنثی کند.

با اینکه در کنفرانس مادرید فعلا هیچ توافق محتوایی حاصل نشده است صرف برگزاری آن یک رویداد تاریخی ارزیابی شد. بیکر وزیر خارجه آمریکا که با هشت سفر متوالی ظرف هشت ماه به خاورمیانه توانست طرفهای مختلف را به پای میز مذاکره بکشاند، اظهار داشت: "تابوی قدیمی که می گفت یهودی ها و اعراب نمی توانند با هم سخن بگویند، شکست". در همین حال، یک عضو هیات لبنانی گفته است: "شکستن تابو ها به تنهایی در خاورمیانه کفایت نمیکند". یک مقام سوری اظهار داشت اسرائیلی ها در باره هر چیزی سخن گفتند به غیر از زمین هایی که دهها سال است اشغال کرده اند. اسحاق شامیر در سخنان خود مدعی شد: "ما تنها خلقی هستیم که تقریبا چهار هزار سال بدون وقفه در کشور اسرائیل زندگی کرده است". در پاسخ به این سخنان، حنان اشراوی سخنگوی هیات فلسطینی در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: "این همان انسانه کشور بدون ملت است". خانم اشراوی افزود در نطق شامیر "هیچ نشانه ای از حتی یک ژست آشتی جویانه" دیده نشد. سخنگوی فلسطینی ها گفت شامیر "بالحن و از موضع اشغالگر" سخنرانی کرد. حیدر عبدالشافی رئیس هیات فلسطینی در نطق خود اظهار داشت: "ما آماده ایم در جوار اسرائیلی ها زندگی کنیم، به شرط این که همجواری بر پایه برابری باشد. ما در پی انتقام گرفتن از اسرائیل یا احترام اسرائیل به تقصیرش نیستیم، بلکه خواهان اعمال اراده برای تبدیل صلح به واقعیت ایم."



حیدر عبدالشافی رئیس هیئت نمایندگی فلسطین



فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه



جیمز بیکر و اسحاق شامیر



اسرائیل و مذاکرات صلح خاورمیانه

هنوز چند روزی بیش از آغاز مذاکرات صلح خاورمیانه نگذشته و گفتگوها هنوز در مسیر جدی خود نیافتاده که اعلام شد دولت اسرائیل یک شمرک یهودی نشین دیگر در منطقه اشغالی جولان افتتاح کرد. همین یک اقدام نیت واقعی دولت اسرائیل را که در آن هیچ نشانه ای از علاقه جدی برای حل و فصل بحران خاورمیانه پیدا نیست، به نمایش گذاشت. این یک کار شکنی آشکار از سوی اسرائیل در مذاکرات تازه آغاز شده خاورمیانه است. این اقدام اسرائیل ثابت کرد آنکه در آستانه تشکیل کنفرانس مادرید از احتمال کارشکنی دولت دست راستی اسرائیل به رهبری شامیر در گفتگوهای صلح ابراز نگرانی می کردند، تا چه میزان محق بوده اند.

این نخستین نشانه از رفتار غیر مسئولانه و کار شکنانه دولت اسرائیل در تبال تلاشهای صلح جویانه نبود. وقتی شامیر تصمیم گرفت هلیرفم توافق های قبلی، بجای دیوید لوی وزیر خارجه، خود راسا ریاست هیات نمایندگی اسرائیل در کنفرانس مادرید را بعهده بگیرد، نوعی هشدار و اعلام این بود که دولت شامیر باینست واقعی دست یابی به صلح به مادرید نمی رود و اعتقاد به حل و فصل عادلانه بحران خاورمیانه هنوز جایی در رفتار و کردار آنها ندارد. پیش از گشایش کنفرانس اشاره بسام ابو شریف مشاور هر فات در این باره بجا بود وقتی گفت: "شامیر برای این به مادرید نمی رود که راه رسیدن به صلح را کوتاه کند. او می رود تا جنگ براه بیاندازد، کنفرانس را منقصر کند و راه را به روی افراطگرایی و تروریسم سازمانهای افراطی و تروریست دو طرف باز نماید."

شامیر نتوانست کنفرانس را "منقصر" کند. ترس از بروز آشکار هویت جنگ طلب و توسعه طلب او و اطرافیان در افکار عمومی جهان مانع از آن شده که شامیر در صدد کار شکنی آشکار برآید. اما او ساکت هم نماند. دومین سخنرانی او در کنفرانس و حملات تحریک آمیز او علیه سوریه بقدر کافی توانست فضای کنفرانس را مسموم کند.

حرکت بعدی او در ترک محل کنفرانس در سومین روز گشایش آن اقدام دیگری بود که نمی توانست نشان از تعهد و احساس مسئولیت طرف اسرائیلی کنفرانس باشد.

شامیر در آستانه کنفرانس مادرید مدام تکرار می کرد که اعراب باید ثابت کنند که "واقعاً خواهان صلح اند" اما تا اینجا ثابت شده که این اسرائیل است که هنوز خواهان صلح نیست.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
○ شش ماهه ۴۵ مارک	○ شش ماهه ۵۲ مارک
○ یک ساله ۹۰ مارک	○ یک ساله ۱۰۴ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

KAR No. 23 13. November 91	 ارگان مرکزی سازمان ندانیان خلق ایران (اکثریت)
آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY

۷۴مین سالگرد انقلاب اکتبر

پس از ۷۴ سال، برای نخستین بار سالگرد انقلاب اکتبر در شوروی جشن گرفته نشد. میخائیل گارباچف رئیس جمهوری این کشور، برگزاری هر گونه مراسم رسمی به این مناسبت را از دستور خارج ساخت، اما طی سخنانی گفت: آرمانهایی که انقلاب اکتبر برای تحقق آنها به وقوع پیوست، گماکان در دستور است و مبارزه در راه آنها ادامه خواهد یافت.

در مسکو کمیونستها سالگرد انقلاب اکتبر را جشن گرفتند. خبرنگارهای خارجی تعداد تظاهر کنندگان را حدود ۱۰ هزار تن ذکر کردند که باهکس های لندن در میدان سرخ مسکو رژه رفتند. "لنین زنده است!" و "لنین با ماست!" از جمله شعارهای این مراسم بود. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردهایی، سیاستهای گارباچف را محکوم کردند. زیر تصویر گارباچف نوشته شده است: "تو کشور را نابود کردی، نابود شوی!"



زامبیا:

شکست کنت کائوندا در انتخابات

کنت کائوندا رئیس جمهور زامبیا که نزدیک به ۲۷ سال زمام امور را در این کشور آفریقایی در دست داشت، در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نتوانست بیش از سی درصد آرا را به دست آورد. فردرک چیلوبا، رهبر اپوزیسیون زامبیا، در انتخابات پیروز شد. چیلوبا در گذشته رهبر اتحادیه کارگری زامبیا بود. وی اواخر دهه ۷۰ به علت اختلاف با کائوندا به زندان افتاد. کائوندا پیروزی رقیب خود در انتخابات را به وی تبریک گفت و اظهار داشت: "شکست ما به معنای پایان جهان نیست." برکناری کائوندا و "حزب متحد استقلال ملی" او (موسوم به یونین)، البته نه به معنای پایان جهان، اما حداقل نشانه ای از پایان یک دوران در آفریقای سیاه است. به غیر از رئیس جمهور فرتوت ساحل عاج، کائوندا آخرین بازمانده نسل رهبران آفریقایی